



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان
معاونت آموزش متوسطه
اداره تکنولوژی، گروه‌های آموزشی بررسی محتوا دوره متوسطه استان
گروه آموزشی جغرافیا

آشنایی با مفاد برنامه درسی ملی

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۳ | پیشگفتار..... |
| ۷ | مبانی فلسفی و علمی..... |
| ۱۸ | چشم‌انداز..... |
| ۱۹ | اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی..... |
| ۲۱ | رویکرد و جهت‌گیری کلی..... |
| ۲۳ | الگوی هدف‌گذاری..... |
| ۲۴ | هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی..... |
| ۲۴ | شایستگی‌های پایه..... |
| ۲۵ | حوزه‌های تربیت و یادگیری (بخش اصلی سند)..... |
| ۴۴ | اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری..... |
| ۴۵ | اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی..... |
| ۴۶ | فرایند تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی..... |
| ۴۷ | سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری..... |
| ۴۸ | ساختار و زمان آموزش..... |
| ۵۰ | سیاست‌ها و الزامات اجرایی..... |
| ۵۱ | ارزشیابی برنامه درسی ملی..... |
| ۵۲ | منابع..... |

پیشگفتار

تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه‌ای است که به تحول در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش‌ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد. در تحول بنیادین نوع نگاه به معلم، کتاب، مدرسه، کلاس درس و به ویژه دانش‌آموز دگرگون خواهد شد. این نگاه، معلم را در قله می‌بیند و همه شرایط و امکانات را برای الگوپذیری و تأسی دانش‌آموز به معلم جهت دستیابی به قله‌های انسانیت، علم و ادب و اخلاق فراهم می‌آورد. تفکر و تعقل، خلاقیت و نوآوری، بهره‌مندی از روش‌های نوین و فناوری‌های جدید، ایجاد محیطی با نشاط و شاداب، برپایی مدرسه دوست‌داشتنی، همه و همه در خدمت تربیت دانش‌آموزان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی می‌باشند.

تحقق این مهم نیازمند باز مهندسی نیروی انسانی با محوریت استقرار نظام رتبه‌بندی و نظام جذب و نگهداشت معلمان می‌باشد که به لطف الهی در دستور کار قرار دارد. اینک که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به مثابه قانون اساسی برای تحولات همه جانبه و دراز مدت به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است، باید تمام زیر نظام‌ها و مؤلفه‌های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت مورد بازخوانی و باز تولید قرار گیرد. «برنامه درسی ملی» به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد.

این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی می‌باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و

ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست داشتنی را به تصویر بکشد.

از آنجا که موضوع برنامه‌ریزی درسی، یک رشته نوپا در کشور می باشد، لذا تدوین برنامه‌های آموزشی، تألیف کتاب‌های درسی، تعیین زمان و ساعات آموزش، روش‌های تدریس، بهره‌گیری از روش‌های متنوع یادگیری و تکنولوژی آموزشی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از یک برنامه جامع و همه جانبه نگر مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی تبعیت نمی‌کرده است که این امر آسیب‌ها و کاستی‌های فراوانی را به همراه داشته است. با گذشت زمان و افزایش دانش فنی در زمینه طراحی و تولید برنامه‌های درسی و انباشت تجربیات مفید و مغتنم و انجام پژوهش‌ها و مطالعات داخلی و تطبیقی، ضرورت تدوین یک برنامه راهبردی و جامع برای ساماندهی بهینه برنامه درسی و تولید محتواهای آموزشی در دوره‌ها و سطوح مختلف یادگیری بیش از پیش احساس می‌شد.

در پاسخ به این نیاز آموزشی و تربیتی، نظام تعلیم و تربیت، کارگروهی از خبرگان و کارشناسان ارشد آموزش و پرورش را با همکاری صاحب نظران و استادان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها مأمور تدوین برنامه درسی ملی نمود. کار تحقیق و پژوهش و تدوین این سند از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آغاز شد و پس از انجام مطالعات اولیه و ابلاغ مصوبه هفتصد و چهل و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه ۸۶، با پشتوانه نیرومند حقوقی ادامه یافت. با توجه به تعیین اهداف، تعریف و حدود طرح و خروجی مورد انتظار، کمیته‌های هفت‌گانه تخصصی به شرح ذیل تشکیل شد:

۱- کمیته کلیات، اصول و مبانی ۲- کمیته محتوای آموزشی، پرورشی و حوزه‌های یادگیری ۳- کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و زمان ۴- کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز ۵- کمیته ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی یادگیری ۶- کمیته مواد، رسانه‌ها و محیط‌های یادگیری ۷- کمیته ارزشیابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی. همچنین برای جلب مشارکت فعال حوزه‌های صف و ستاد، کمیته‌های استانی و کمیته‌های ستادی طرح، آغاز به کار کردند. خوشبختانه با تلاش خستگی ناپذیر دست اندرکاران، اولین نداشت این برنامه سرنوشت ساز و تحول آفرین، در بهمن ماه ۱۳۸۷ آماده شد. هم زمان با بررسی و تصویب سند تحول بنیادین در

شورای عالی آموزش و پرورش (آذرماه ۱۳۸۸) و با عنایت به راهکار ۱-۱ سند مذکور، کار بررسی و اصلاح برنامه درسی ملی نیز سرعت یافت و تا سال ۱۳۹۰ بارها در معرض نقد و بررسی صاحب نظران، مدیران و معلمان قرار گرفت و سیر تکاملی خود را سپری کرد تا به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شد.

در دبیرخانه شورای عالی با تشکیل کار گروهی مرکب از کارشناسان شورا و جمعی از دست اندرکاران تدوین و صاحب نظران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ضمن وفاداری به بنیان‌های اصلی برنامه از جمله الگوی هدف‌گذاری و عناصر و عرصه‌های چهارگانه ارتباطی و با تکیه بر مبانی و دلالت‌های مفاهیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، متن جدید بازنگری، اصلاح و آماده شد. جلسات هماهنگی برای تفاهم و اجماع بر اصول و مبانی سند را که اینجانب نیز بر آن تأکید داشتم برگزار و طرح را نهایی نمودیم. بالاخره پس از ۱۱ جلسه، به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و برگ زرینی به تاریخ آموزش و پرورش کشور افزوده شد. اینک یادآوری چند نکته را ضروری می‌داند:

- تدوین و تصویب برنامه درسی ملی به عنوان نقشه جامع یادگیری برای اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش افتخار بزرگی است که خداوند نصیب فرمود؛ بر این موهبت بزرگ الهی سر تعظیم فرود آورده و شکرگزاری می‌کنیم.
- این برنامه باید نقشه راه کلیه سیاست‌گذاری‌ها و تولید محتوای آموزشی و تربیتی از جمله تولید راهنمای برنامه‌های درسی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی، تعیین زمان و ساعات آموزشی تدوین و تألیف کتاب‌های درسی و کمک آموزشی، تولید بسته‌های آموزشی، رسانه‌های دیداری و شنیداری و الکترونیکی و ... قرار گیرد.
- اجرای مطلوب این برنامه، نیازمند مساعدت و توجه ویژه معلمان عزیز و بهره‌مندی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی مناسب آنان می‌باشد، لذا مفاد آن باید در مهندسی نیروی انسانی و در برنامه‌های آموزشی، جذب و توانمندسازی و بازآموزی معلمان در سطوح مختلف توسط دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و مراکز آموزشی‌های ضمن خدمت مورد توجه جدی قرار گیرد.

- تدوین برنامه راهبردی و جامع یادگیری مبتنی بر آموزه های اسلامی و معارف وحیانی، متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه در دنیای متحول کنونی، منطبق با ویژگی ها و نیازهای دانش آموزان و بهره مند از آخرین یافته های علمی و پژوهشی، کار سترگ و بلندی است که با عنایات الهی و تلاش دست اندرکاران، گام نخست آن برداشته شد و تکمیل و تکامل آن نیازمند همراهی و مساعدت صاحب نظران و کارشناسان مجرب است که همگان را به یاری می طلبیم.
- در پایان لازم می دانم از تلاش ها و زحمات کلیه کارشناسان، محققان و پژوهشگران، دست اندرکاران، مسئولان کمیته ها و مجریان و مشاوران این طرح ملی در ستاد، استان ها، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دبیرخانه و اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، شورای معاونان وزارت آموزش و پرورش و به ویژه حجت الاسلام علی ذوعلم مدیر طرح، حجت الاسلام محمدیان رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مهندس مهدی نوید ادهم دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش و وزرای آموزش و پرورش تشکر نمایم و از خداوند متعال مسألت دارم این کار مهم و تأثیر گذار را که در طول ۴۰ ماه گذشته مسئولیتم دغدغه اساسی اینجانب و همکاران عزیزم بوده است توشه آخرت قرار دهد.

۱- مبانی برنامه درسی ملی

مبانی برنامه درسی ملی، برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛ فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران؛ سند ملی آموزش و پرورش و مطالعات کمیته تخصصی کلیات است و بر دلالت‌های مهم زیر که باید نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی ملی را شکل دهد، تأکید می‌ورزد.

۱-۱. مبانی هستی‌شناختی مقصود از مبانی هستی‌شناختی، مهمترین گزاره‌های توصیفی تبیینی درباره حقیقت

وجود و احکام کلی آن و نیز واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش

فلسفه اسلامی، به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته اند. ۱/۱/۱ خداوند مبدأ و غایت

هستی است؛ ۲/۱/۱ خداوند خالق جهان و مالک، مدبر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است؛ ۳/۱/۱

خداوند خیر بنیادین و بنیاد خیر است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آن‌ها هدایت

می‌کند؛ ۴/۱/۱ هستی واقعیت دارد؛ ۵/۱/۱ نظام آفرینش از حیات، شعور، قانون‌مندی، هدف‌مندی و

هماهنگی برخوردار است؛ ۶/۱/۱ نظام آفرینش دارای مراتب شهود و غیب است و هر یک از این مراتب

خود نیز دارای مراتبی است؛ ۷/۱/۱ در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد (وحدت در کثرت و

کثرت در وحدت)؛ ۸/۱/۱ نظام آفرینش وجودی مستقل نداشته، بلکه هویتی تعلقی به رب العالمین دارد؛

۹/۱/۱ نظام آفرینش، صیوررتی پیوسته و به سوی خدا دارد؛ این بخش که در تهیه و تدوین پیشنهاد

برنامه درسی ملی مورد استفاده کارشناسان قرار گرفته است به دلیل ماهیت غیر تصویری آن، عیناً از

نگاشت پنجم برنامه درسی ملی ارسالی از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آورده شده است.

۵۴ ۱۰/۱/۱ نظام آفرینش، «فعل» و «آیت» خداوند است؛ ۱۱/۱/۱ نظام آفرینش عرصه تربیت انسان است

و مربی آن پروردگار متعال است؛ ۱۲/۱/۱ حیات اخروی و همه واقعیات‌های آن در مقایسه با حیات دنیوی

نامحدود، پایان‌ناپذیر و جاودان است؛ ۱۳/۱/۱ جهان طبیعت در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم

است؛ ۱۴/۱/۱ نظام آفرینش به طبیعت خلاصه نمی‌شود؛

۲-۱. مبانی انسان شناختی مراد از مبانی انسان شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده اند و باید آنها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست. ۱/۲/۱ انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛ ۲/۲/۱ حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛ ۱/۲/۳ انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛ ۴/۲/۱ انسانها در نظام آفرینش از کرامت الهی و شأن یکسان برخوردار هستند؛ ۵/۲/۱ انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که می‌تواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و براساس انتخاب خویش می‌تواند هویت خویش را تعریف کند؛ ۶/۲/۱ آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است؛ ۷/۲/۱ وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است؛ ۸/۲/۱ انسان موجودی است که استعدادهای متنوع، قابل رشد و تعالی مداوم دارد؛ ۹/۲/۱ انسان برحسب فطرت و آفرینش خویش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است؛ ۱۰/۲/۱ انسان موجودی اجتماعی، تأثیرپذیر از جامعه و تأثیرگذار بر آن است؛ ۱۱/۲/۱ هویت انسان، براینند نوع ارتباط او با خویشتن، خدا، خلق و خلقت است؛ ۱۲/۲/۱ انسان در تکوین و تحول هویت خود، نقش اساسی دارد؛ ۱۳/۲/۱ هویت آدمی دو وجه فردی و جمعی دارد که در انواع و جنبه‌های مختلف تحقق می‌یابد؛ ۱۴/۲/۱ تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و معرفت، اخلاق و عمل مداوم، عناصر اصلی شکل‌دهی و ارتقاء هویت انسان می‌باشند؛ ۱۵/۲/۱ انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و با انتخاب احسن خویش موقعیت موجود را به سوی موقعیت مطلوب تغییر دهد؛ ۱۶/۲/۱ انسان برای توفیق در روند تحول و ارتقاء هویت خویش نیازمند هدایت الهی است؛ ۱۷/۲/۱ انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در

برابر دیگران مسئولیت دارد؛ ۱۸/۲/۱ سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است؛ ۱۹/۲/۱ انسان حیاتی بی پایان دارد و سرنوشت هر کس در حیات اخروی او، به انتخاب و هویت او در دنیا بستگی دارد؛ ۲۰/۲/۱ همه انسان ها از حقوق ذاتی برابر برخوردارند؛ ۲۱/۲/۱ انسانها ضمن اینکه طبیعت و فطرت مشترک دارند، دارای خصوصیات متفاوت جنسیتی، فردی، قومی و فرهنگی می‌باشند؛ ۲۲/۲/۱ آدمی موجودی است در معرض انواع مخاطرات و موانع و تهدیدهای بیرونی و درونی از قبیل نفس اماره و دنیا؛ ۲۳/۲/۱ وجود انسان در برابر ر بالعالمین فقر محض است و هویتی تعلقی به او دارد؛ ۲۴/۲/۱ انسان از استعداد و توان نامحدودی برای رسیدن به مراتبی از عبودیت و حیات طیبه برخوردار است؛ ۲۵/۲/۱ انسان در نظام آفرینش برای طی هر مرتبه از کمال، نیازمند به مربی است؛ ۲۶/۲/۱ انسان موجودی است یادگیرنده، تربیت‌پذیر و برخوردار از ظرفیت نامتناهی رشد یابندگی؛ ۲۷/۲/۱ انسان دارای ویژگی‌هایی چون حرص، بخل، عجله و... در نفس خود می‌باشد که این ویژگی‌ها می‌تواند با تربیت توحیدی زمینه ساز رشد و تعالی او شود؛ ۲۸/۲/۱ انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمایش و ابتلا و مواجهه با دشواریها و راحتی‌هاست و این خود زمینه‌ساز رشد و تعالی یا سقوط و انحطاط اوست که تجلی آن در قیامت است؛ ۱/۲/۲۹ خداوند، انسان را «بر فطرت پاک» آفریده است و کفر، شرک، نفاق و دیگر رذائل بر اثر نوع برخورد انسان با محیط، انتخاب نادرست و ارتباط غلط او با خود، خدا، خلق و خلقت بر وی عارض می شود؛ ۳۰/۲/۱ انسان دارای نیازهای گسترده و متنوعی (مادی، معنوی) است که باید در تربیت او به گونه‌ای منسجم و متعادل مورد توجه قرار گیرد؛ ۳۱/۲/۱ شخصیت آدمی (شاکله) حاصل تربیت اوست. اگر شخصیت آدمی با فطرت او هماهنگ و منطبق باشد، انسان متعادل است و اگر با فطرت او انطباق نداشته باشد، دارای شخصیتی نامتعادل است. همچنین اگر با فطرت آدمی در تضاد و تقابل باشد، انسان از شخصیت آدمی خارج می‌شود و با حیوانات و پست تر از آنها هم طراز می‌گردد؛ ۳۲/۲/۱ موانع اصلی حرکت متعالی انسان عبارت‌اند از: نفس اماره، دنیاطلبی و شیطان.

۳-۱. مبانی معرفت شناختی منظور از مبانی معرفت شناختی مهمترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان شناختی متمایز گشته است. ۱/۳/۱ انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در آن توانایی دارد؛ ۵۷ ۲/۳/۱ علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛ ۳/۳/۱ منابع شناخت آدمی متعدد است و شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، تجربه (جامعه، تاریخ و طبیعت) است؛ ۱/۳/۴ انسان هم در مقام نظر و هم عمل، توانایی تعقل (عقل ورزی) دارد؛ ۵/۳/۱ تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش محوری دارد؛ ۶/۳/۱ علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛ ۷/۳/۱ معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است؛ ۸/۳/۱ علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) است؛ ۹/۳/۱ شناخت آدمی با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس، التزام به عادات و سنت‌های غلط نیاکان، خودباختگی در برابر بزرگان و قدرتها و نیز محدودیت‌هایی چون میزان ظرفیت و توان فرد و ناتوانی عقل نسبت به درک بخشی از حقایق هستی همراه است؛ ۱۰/۳/۱ علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛ ۱۱/۳/۱ ابزار شناخت و معرفت عبارت‌اند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب). شایان ذکر است که در این میان، تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد؛ ۱۲/۳/۱ علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛ ۱۳/۳/۱ تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.

۴-۱. مبانی ارزش شناختی مقصود از مبانی ارزش شناختی گزاره‌هایی درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌ها چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت است. منابع و ویژگی ارزش‌ها ۱/۴/۱ دین (عقل و فطرت، قرآن و سنت) منبع همه ارزش‌هاست و سایر ارزش‌ها از آن کسب اعتبار می‌کند؛ ۲/۴/۱ ارزش‌های حقیقی (معتبر) مفاهیم و گزاره‌هایی‌اند که با تکیه بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن، ارزش گذاری شده‌اند؛ ۳/۴/۱ عمل و انتخاب آدمی همواره در پرتو ارزش گذاری او محقق می‌شود؛ ۴/۴/۱

ارزش‌ها دو دسته‌اند: ثابت (مطلق) و غیرثابت (مشروط و متغیر)؛ ۵/۴/۱ ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت‌های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد؛ ۶/۴/۱ تأثیر کامل التزام به ارزش‌ها، تابع هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی است؛ ۷/۴/۱ سلسله مراتب ارزش‌ها با غایت زندگی (حیات طیبه) ارتباط دارند؛ ۸/۴/۱ دستیابی به حیات طیبه تنها بر اساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه به نظام معیار که ارزش‌های مقبول دین حق است، امکان‌پذیر می‌باشد؛ ۹/۴/۱ تحقق حیات طیبه به گون‌های یکپارچه، همه ابعاد فردی و جمعی زندگی انسان از جمله رعایت توازن و اعتدال را در همه ابعاد شامل می‌شود؛ ۱۰/۴/۱ توحید، قرب الی الله، عبودیت و حیات طیبه در رأس همه ارزش‌هاست و مصداق حقیقی غایت زندگی انسان است؛ ۱۱/۴/۱ محورهای اساسی ارزش‌ها در پنج عنصر تفکر، تعقل و حکمت/ایمان و باور به مبدأ و معاد/علم، معرفت و بصیرت/کار مفید، مجاهدت و عمل صالح/اخلاق کریمه و فضائل نفسانی خلاصه می‌شود و در این بین، عناصر تفکر و تعقل و ایمان به مبدأ و معاد، نقش بنیادی دارند؛ ۱۲/۴/۱ انس و التزام عملی به قرآن کریم، دوستی عترت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام خاصه حضرت مهدی (عج) و اطاعت از آن بزرگواران از مهمترین ارزش‌ها و راه‌های نیل به حیات طیبه است؛ ۱۳/۴/۱ تَوَلّی و تَبَرّی، امر به معروف و نهی از منکر از جمله راه‌های مهم در جهت نیل به حیات طیبه است؛ ۱۴/۴/۱ توجه به ارزش‌های الهی در ارتباط با خدا تعیین‌کننده هویت ارزشی انسان است؛ ۱۵/۴/۱ عبادت آگاهانه و پرستش عاشقانه خداوند متعال، نقش اساسی در رشد و تعالی انسان دارد. ۱۶/۴/۱ عمل مبتنی بر ایمان و تفکر؛ ۱۷/۴/۱ کسب روزی حلال؛ ۱۸/۴/۱ حفظ و ارتقاء سلامت و بهداشت فردی؛ ۱۹/۴/۱ برخورداری از حیا و عفت، آراستگی ظاهری و پوشیدن لباس مناسب؛ ۲۰/۴/۱ فعالیت و تلاش و پرهیز از بطالت و بیکاری؛ ۲۱/۴/۱ پرهیز از اسراف و زیاده‌خواهی؛ ۲۲/۴/۱ حفظ عزت نفس و کرامت انسانی؛ ۲۳/۴/۱ خودیادگیری و خودسازی مستمر و مادام‌العمر؛ ۲۴/۴/۱ رعایت توازن بین درآمد و هزینه (قناعت) و صبر در امور؛ ۲۵/۴/۱ سعی و اهتمام در کسب، حفظ و تکمیل ارزش‌های اخلاقی؛ ۲۶/۴/۱ پایبندی به احکام شرعی به ویژه انجام واجبات و ترک محرمات. ۱/۴/۲۷ احترام، احسان و مهرورزی به والدین و اعضای خانواده؛ ۲۸/۴/۱

احترام و خدمت به بزرگسالان، محبت به خردسالان و توجه به نیاز و تربیت کودکان و رعایت حقوق آنان؛ ۲۹/۴/۱ مشورت و بهره‌گیری از تجارب بزرگ تران و سالخوردگان؛ ۳۰/۴/۱ توجه به حقوق همسر و فرزندان. ۳۱/۴/۱ ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی و منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛ ۳۲/۴/۱ احترام به قانون و قانونمداری بر مبنای قانون اساسی؛ ۳۳/۴/۱ توجه به آزادی مسئولانه و عدالت اجتماعی؛ ۳۴/۴/۱ همکاری، تعاون و مشارکت اجتماعی و احترام به آحاد جامعه؛ ۳۵/۴/۱ رأفت، احسان و خدمات عام‌المنفعه و ماندگار؛ ۳۶/۴/۱ پاسداشت از خدمات شخصیت‌های مؤثر در عرصه‌های مهم فرهنگی، اعتقادی، علمی و فناوری، ادبی، سیاسی، هنری و اجتماعی در تاریخ و تمدن ایران و اسلام؛ ۳۷/۴/۱ باور و التزام عملی به ولایت فقیه به عنوان ادامه دهنده راه انبیا؛ ۳۸/۴/۱ احترام به مظاهر ملی (پرچم، سرود ملی، زبان فارسی، جش نه‌ای ملی)؛ ۳۹/۴/۱ تعظیم شعائر اسلامی؛ ۴۰/۴/۱ التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ ۴۱/۴/۱ وطن دوستی، ایثارگری، فداکاری و شهادت طلبی در جهت حفظ ارزش‌های الهی و کیان جمهوری اسلامی ایران؛ ۱/۴/۴۲ ارتقاء جایگاه علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و معنوی ایران در عرصه بین‌الملل. ۴۳/۴/۱ وحدت و همبستگی بین مسلمانان؛ ۴۴/۴/۱ دفاع از مسلمانان تحت ستم و کمک و یاری آنان در حدّ توان؛ ۴۵/۴/۱ اهتمام و سعی و کوشش در جهت حلّ معضلات و مشکلات مسلمانان؛ ۴۶/۴/۱ مشارکت فعال در همکاری با مسلمانان جهان در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ ۱/۴/۴۷ ارتقاء جایگاه امت اسلامی در کلیه عرصه‌ها در جهان به ویژه در عرصه‌های علمی، فناوری، معنوی و اخلاقی. ۴۸/۴/۱ احترام به حقوق انسان‌ها در راستای تعمیم سعادت و ایجاد امید و آینده‌ای روشن برای همه انسانها؛ ۴۹/۴/۱ مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در جهت ایجاد صلح و عدالت در جهان؛ ۵۰/۴/۱ احترام به پیمانهای معتبر جهانی؛ ۵۱/۴/۱ حضور فعال در عرصه‌های جهانی براساس حفظ عزت ملی و عدالت و مساوات در بین ملت‌ها؛ ۵۲/۴/۱ احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی با پیروان آنها؛ ۵۳/۴/۱ گسترش مبانی ارزش‌های اسلامی به ویژه عدالت و فضایل اخلاقی و معنوی در جهان؛ ۵۴/۴/۱ ترویج انتظار ظهور حضرت مهدی

(عج) در جهت ایجاد حکومت عدل جهانی؛ ۵۵/۴/۱ گسترش فرهنگ گفت و گو و استفاده از روش‌های مسالمت آمیز در حل مسائل بین المللی مبتنی بر ارزش‌های توحیدی؛ ۵۶/۴/۱ تلاش در جهت حل مشکلات جهانی از قبیل روابط ظالمانه، فقر، بیماری و تبعیض. ۵۷/۴/۱ رعایت موازین اخلاقی و معنوی در ارتباط با طبیعت و محیط زیست؛ ۵۸/۴/۱ احساس مسئولیت در برابر پدیده‌های خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان و جانوران (اعم از خشکی و دریا) و حفظ تعادل در آب و هوا؛ ۵۹/۴/۱ کمک به حفاظت و توسعه زیست بوم شهری، روستایی و محیط طبیعی در جهت بقا و ارتقاء کیفیت محیط و توسعه پایدار (حفظ رودها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها، تالاب‌ها، زیستگاه‌های حیات وحش، غارها، چشم‌اندازهای طبیعی و اکوسیستم‌های دریایی)؛ ۶۰/۴/۱ نگاه به طبیعت به عنوان مخلوقات و امانت الهی و کتاب معرفت؛ ۶۱/۴/۱ کشف قابلیت‌های طبیعت و بهره‌برداری عاقلانه و مسئولانه از منابع و مواهب طبیعی؛ ۶۲/۴/۱ اعتقاد به برخورداری همه مظاهر خلقت از مراتبی از حیات و شعور. ۶۳/۴/۱ علاقه به مراتب فوق طبیعت در هستی و برقراری ارتباط سازنده با آن؛ ۶۴/۴/۱ توجه به عالم غیب و ملائکه و تأثیرگذاری ایشان در زندگی انسان؛ ۶۵/۴/۱ توجه به استمرار و جاودانگی حیات انسان بعد از مرگ و تأثیر سازنده آن در زندگی انسان.

۵-۱. مبانی دین شناختی (بالمعنی الاخص) این دسته از مبانی به مباحثی درباره شأن و جایگاه دین اسلام و مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه درسی اشاره دارد. بیان این گزاره‌ها از آن جهت ضروری است که آموزه‌های اسلام ناب محمدی به عنوان دین حق در همه اجزا و عناصر برنامه درسی از جمله مقاصد غایی تربیت انسان، طرز تلقی نسبت به تربی، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی یادگیری، جایگاه معلم و مربی، مواد آموزشی و شیوه ارزشیابی کاربرد دارد؛ ۱/۵/۱ اسلام مجموعه‌ای است به هم پیوسته و منسجم از عقاید، معارف، نظام‌ها، احکام فردی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی که انسان را در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا راهبری کرده و او را به سعادت جاویدان می‌رساند؛ ۲/۵/۱ اسلام، راه و روش زندگی بر مبنای دستوره‌های الهی است که مبتنی بر عقل، قرآن، سنت

و عترت پیامبر علیهم السلام است و در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی در راستای حیات طیبه به بشریت ارائه شده است؛ ۳/۵/۱ اسلام دینی است جهانی، اجتماعی و همه جانبه‌نگر که بر اساس اجتهاد روشمند و پویا ۶۳ برنامه زندگی انسان را متناسب با شرایط زمان و مکان در همه شرایط ترسیم می‌کند؛ ۴/۵/۱ اسلام به دنبال تربیت افرادی متفکر، مؤمن، عالم، عامل، مؤدب و دارای اخلاق کریمه است؛ ۵/۵/۱ اسلام جهت هدایت فرد و جامعه در ابعاد عقلانی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، علمی و عملی، به دنبال تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خدا است؛ ۶/۵/۱ اسلام به دنبال ایجاد جامعه‌ای پویا، مجاهد، مسئول و اثرگذار در زندگی بشریت است؛ ۷/۵/۱ مقصد نهایی حکومت در اسلام، زمینه‌سازی جهت رشد و شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به کمال فردی و نیز گسترش عدالت و تشکیل تمدن اسلامی در راستای ظهور و تشکیل دولت عدل جهانی است؛ ۸/۵/۱ اسلام معتقد است که مطالعه جهان مادی و جهان معنوی باید توأمان صورت گیرد؛ زیرا این دو جهان از یکدیگر جدا نبوده و ارتباط تنگاتنگ و قانونمند با یکدیگر دارند؛ ۹/۵/۱ شناخت صحیح و جامع دین اسلام، مستلزم فهم مؤمنانه و روشمند قرآن کریم و تبیین عینی و علمی آن توسط حضرات معصومین علیهم السلام است؛ ۱۰/۵/۱ در بینش اسلام هر انسانی مخلوق و مرتبی خداست و برای درک مراتبی از عبودیت الهی آفریده شده است؛ ۱۱/۵/۱ انسانها در عین برخورداری از مشترکات اساسی، ظرفیت های متفاوت دارند و هر کس به اندازه توان و وسع خویش مکلف است؛ ۱۲/۵/۱ متعالی ترین لایه هویتی انسان، هویت توحیدی است که فراتر از مرزبندی های جنسیتی، قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد؛ ۱۳/۵/۱ اسلام بر تنوع در روش های یاددهی یادگیری (مشاهده آیات، تدبر و تعمق، صحبت و گفتگو، تجربه، تفکر فردی و جمعی، تهذیب نفس، داستان گوئی، تأسی از اسوه‌های حسنه و غیره (و تکرار در محیط یادگیری) خانواده، طبیعت، مسجد، مدرسه، محیط اجتماعی، محیط کار و غیره تأکید دارد؛ ۱۴/۵/۱ تهذیب نفس و تقوا موجب افزایش ظرفیت روحی و یادگیری انسان و دستیابی به توانمندی‌های معنوی می شود؛ ۱۵/۵/۱ خانواده، یکی از مهمترین ارکان در تربیت فرزندان است و بر تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأکید شده

است؛ ۱۶/۵/۱ والدین مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده داشته و باید ضمن انتخاب محیط تربیتی مناسب برای فرزند خویش، بر فرایند تربیت نیز نظارت فعال نمایند؛ ۱۷/۵/۱ مربی جایگاه محوری در تحقق اهداف تربیتی دارد و به مثابه الگوی هدایت کننده مربی، ادامه دهنده راه انبیا و تسهیل کننده تحقق اهداف آن ها قلمداد می شود؛ ۱۸/۵/۱ انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمون الهی بوده و در مواجهه با سختی ها و دشواری ها تربیت می شود.

۶-۱. مبانی روان شناختی مبانی روان شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است و به طرح مهمترین گزاره های کاربردی روانشناسی در برنامه ریزی درسی اشاره دارد؛ ۱/۶/۱ شخصیت آدمی نظام به هم پیوسته و یکپارچه ای متشکل از خرده نظام های شناختی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و تجارب عملکردی انسان است. این خرده نظام ها در تعامل با یکدیگر بوده و موجبات رشد شخصیت آدمی را فراهم می کند. رفتار آدمی محصول تعامل این خرده نظام هاست؛ ۲/۶/۱ خرده نظام شناختی مجموعه ای از فرایندهای هوشی و عقلانی است که محصول نهایی آن به شکل تصورات و تصدیقات در ذهن انسان تجلی می یابد؛ ۳/۶/۱ فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنجگانه ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و عقلانی می رسد؛ ۴/۶/۱ خرده نظام عاطفی متشکل از نظام های واسطه های مثل غرائز، صفات، خلق و خو و فرایندهای واکنشی اکتسابی است و در شکل احساساتی چون محبت، شوق، عصبانیت، نفرت، پرخاشگری، افسردگی و غیره خود را نشان می دهد؛ ۱/۶/۵ رشد اخلاقی حاصل تعامل عوامل متعددی نظیر تفکر و تعقل، ایمان، علم و عمل، به ویژه تلاشهای خودسازی درونی است؛ ۶/۶/۱ رشد تفکر در متربیان مبتنی بر نظامی از منطق درونی است که از طریق سازماندهی و سازگاری مربی با تجارب جدید رشد می یابد؛ ۷/۶/۱ رشد ایمانی حاصل تفکر و معرفت، وابستگی عاطفی و باورهای قلبی و اراده و تصمیم گیری است؛ ۸/۶/۱ رفتار عبارت است از مطلق حرکت انسان که عمل، بخشی از آن است؛ ۹/۶/۱ عمل، رفتار آگاهانه و ارادی مبتنی بر مبانی و علل و عواملی مانند علل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است؛ ۱۰/۶/۱ مربی از زمان تولد تا لحظه مرگ

در حال تغییر و دگرگونی است و در طول زندگی خود، از مراحل مختلف تغییرات جسمی، شناختی، عقلانی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و عملکردی عبور می کند. برنامه درسی باید ضمن لحاظ کردن این تغییرات، فرایند رشد تربی را در ابعاد مختلف تسهیل بخشد؛ ۱۱/۶/۱ علایق و نیازهای متریان و محدوده اهداف تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی متفاوت است؛ ۱۲/۶/۱ متریان در جریان رشد، نیازمند راهنمایی و مشاوره اند؛ ۱۳/۶/۱ متریان اگر چه از نظر فطری با یکدیگر تشابه دارند و دارای نیازهای اساسی مشترکی‌اند، اما تحت تأثیر وراثت، محیط و نتایج اعمال و رفتار از یکدیگر متفاوت می شوند؛ ۱۴/۶/۱ متریان برای یادگیری هر موضوعی نیازمند رسیدن به سن رسش خاصی اند؛ ۱۵/۶/۱ انگیزشهای درونی و بیرونی به موقع، موجب تقویت زمینه رشد متریان خواهد شد؛ ۱۶/۶/۱ رشد، محصول تربیت است؛ ۱۷/۶/۱ تربیت، فرایندی تحولی است که در اثر تفکر، تعقل، شهود، ایمان، علم، عمل، تجربه و تقویت ملکات نفسانی به دست می آید؛ ۱۸/۶/۱ یادگیری، زمینه ساز تربیت انسان است و دارای مراتب، سطوح و ابعاد گوناگون است؛ ۱۹/۶/۱ رشد آدمی تابع سنن و قوانین جهان شمول می‌باشد که در خلقت انسان قرار داده شده است؛ ۲۰/۶/۱ رشد تکوینی آدمی نه صرفاً تابعی از محیط است و نه صرفاً امری زیستی است، بلکه متأثر از هر دو عامل است؛ ۲۱/۶/۱ انسان اساساً طبیعتی فعال دارد، بدین لحاظ تربی در جریان تربیت، نیازمند مدیریتی فعال است.

۷-۱. مبانی جامعه شناختی؛ مبانی جامعه شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از مبانی جامعه شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است. این بخش به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه شناسی در برنامه ریزی درسی اشاره دارد؛ ۱/۷/۱ جامعه «مرکب حقیقی» است (نه اعتباری) و دارای روح جمعی متأثر از اندیشه‌ها، انگیزه‌ها، عاطفه‌ها، رفتارها و خواسته‌های افراد است؛ ۲/۷/۱ انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست؛ بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی، از امکان و توان لازم جهت هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است؛ ۳/۷/۱ هم سویی و هماهنگی جامعه با نظام قانونمند هستی و سنت‌های الهی، موجب رشد و تعالی جامعه شده

و دوام و تعالی آن را تضمین می‌کند؛ ۴/۷/۱ برنامه درسی به دنبال ایجاد رابطه تعاملی با جامعه و استعلای فردی و اجتماعی است؛ ۵/۷/۱ تربیت افرادی جامعه پذیر و اصلاح هنجارهای نامطلوب در جامعه از جمله اهداف برنامه های درسی است؛ ۶/۷/۱ برنامه درسی ملی باید به ایجاد تعادل و توازن در جامعه و آگاه کردن متریبان در ایفای نقش مسئولانه در جامعه کمک نماید؛ ۷/۷/۱ جامعه ایران (شهری، روستایی و عشایری) علاوه بر اینکه فرهنگ مشترکی دارد، از خرده فرهنگ های مختلفی نیز تشکیل شده است، برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ ها باید نقش فعال، وحدتگرا و تعالی بخشی ایفا کند، همچنین پاسخگوی نیازهای متنوع اجتماعی باشد؛ ۱/۷/۸ نهاد تعلیم و تربیت، مهمترین بخش فرهنگ است و با سایر نهادها در ارتباط متقابل می‌باشد و وظیفه دارد ضمن پاسخ گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛ ۹/۷/۱ پیشگیری از بازتولید نابرابری های اجتماعی و گسترش عدالت در جامعه از رسالت های اساسی برنامه های درسی و تربیتی است؛ ۱۰/۷/۱ برنامه ها درسی و تربیتی وظیفه دارند ضمن ایجاد تعامل منطقی با جامعه و اثرگذاری مثبت در لایه های مختلف آن، مسئولیت پذیری را در متریبان نهادینه کرده و از آنها در مقابله با هرگونه هجوم هویتی و فرهنگی پاسداری کنند؛ ۱۱/۷/۱ اصلاح و ارتقاء فرهنگ جامعه یکی از مهمترین رسالت های برنامه درسی است؛ ۱۲/۷/۱ نهاد خانواده شریک اصلی مدرسه در طراحی و اجرای برنامه درسی است؛ خانواده مسئولیت پذیری خود را در تربیت فرزند باید پذیرا باشد و نقش خود را در این خصوص به خوبی ایفا نماید؛ ۱۳/۷/۱ مدرسه پس از خانواده زمینه ساز کسب نخستین تجربه اجتماعی از طریق فراهم کردن شرایط برای ارتباط مناسب متریبان با یکدیگر است؛ ۱۴/۷/۱ زمینه سازی برای کسب شایستگی ها توسط آحاد جامعه، عامل رشد اجتماعی است؛ ۱۵/۷/۱ همسویی جامعه با برنامه درسی ملی موجبات توسعه و تعالی جامعه را فراهم می‌کند؛ ۱۶/۷/۱ برنامه های درسی و تربیتی باید در رابطه ای تعاملی و دوسویه، ضمن پاسخ گویی مسئولانه به نیازهای نهادهای اجتماعی، از ظرفیت و امکانات این نهادها در جهت نیل به اهداف تربیتی استفاده کنند.

۲- چشم‌انداز

برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی، با تکیه بر میراث گران بها و ماندگار رسول الله (ص) قرآن کریم و عترت (ع) تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ با بهره‌گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت نسلی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و خردمند، دانش‌پژوه و علاقمند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خود‌باور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می‌سازد.

این برنامه‌ها دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- مبتنی بر مبانی و ارزشها و معارف اسلام ناب محمدی (ص)؛ ۲- برخوردار از یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی با تأکید بر بومی‌سازی آن‌ها؛ ۳- بهره‌مند از دستاوردها و یافته‌های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی؛ ۴- منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا، انعطاف‌پذیر و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛ ۵- ناظر به ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی دانش‌آموزان و نیازهای اساسی جامعه؛ ۶- بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزارها و شیوه‌های علمی و اثربخش؛ ۷- برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده‌پژوهانه، واقع‌بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان؛ ۸- تأکید‌کننده بر نقش مدرسه به عنوان جلوه‌ای از تحقق مراتبی از حیات طیب و زمینه‌ساز جامعه عدل مهدوی (عج) و کانون اصلی تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی.

۳- اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی

این اصول به صورت هماهنگ و درهم تنیده ناظر بر سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت برنامه های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه است:

۱-۳. دین محوری تمامی اجزا و عناصر برنامه های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش های اسلام ناب محمدی (ص) باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می باشد.

۲-۳. تقویت هویت ملی برنامه های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزشهای انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳-۳. اعتبار نقش یادگیرنده برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش آموز در فرآیند یاددهی یادگیری و تربیت پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

۴-۳. اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی) ۱- برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت ۲- معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال سازی دانش آموزان در فرآیند یادگیری و تربیت پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه ی ارتقاء صلاحیت های اعتقادی، اخلاقی، حرفه ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

۵-۳. اعتبار نقش پایه ای خانواده برنامه های درسی و تربیتی باید ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی و صله رحم، زمینه کسب شایستگی ها و مهارت های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی دانش آموزان را فراهم آورد.

۶-۳. جامعیت برنامه های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت تأکید کند.

۷-۳. توجه به تفاوت ها برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی های مشترک، به تفاوت های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها، تواناییها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۸-۳. تعادل برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌ها پایبند باشد.

۹-۳. یادگیری مادام العمر برنامه های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی ها و مهارت های لازم برای استمرار و معنا دار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش آموزان تأمین کند.

۱۰-۳. جلب مشارکت و تعامل فرآیند برنامه ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش آموزان، خانواده ها و سایر گروه های ذینفع، ذیربط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها فراهم نماید.

۱۱-۳. یکپارچگی و فراگیری برنامه های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش آموزان (دانش آموزان عادی، دانش آموزان با نیازهای ویژه و استعداد های درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه ها باید با رعایت انعطاف پذیری، با نیازهای هریک از گروه های دانش آموزان با نیازها و استعداد های خاص انطباق و سازگاری داده شود.

۴- رویکرد و جهت‌گیری کلی

رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی «فطرت‌گرایی توحیدی» است. ۱- اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی ۲- دانش آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت ۳- آنان به منظور دس‌تیابی به مراتبی از حیات طیبه است. در این رویکرد:

۴-۱. دانش آموز: ۱- امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است. ۲- فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد. ۳- همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید. ۴- توانایی انتخاب، تصمیم‌گیری و خویشتن‌داری دارد و می‌تواند با محیط یادگیری، رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی‌چون و چرا و مقهور محیط نیست. ۵- از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرآیند یاددهی یادگیری، نقش اساسی دارد. ۶- در فرآیند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه شایستگی‌های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد. ۷- دارای قابلیت‌ها، تجربیات، ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون است.

۴-۲. معلم (مربی): ۱- در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار (ع)، اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است. ۲- با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می‌سازد. ۳- زمینه ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است. ۴- راهنما و راهبر فرآیند یاددهی یادگیری است. ۵- برای خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس را بر عهده دارد. ۶- یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.

۴-۳. محتوا ۱- مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجربیات یادگیری است که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه‌ها را به صورت پیوسته فراهم می‌آورد ۲- دربرگیرنده مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است. ۳- برگرفته از یافته‌های علمی و معتبر بشری

است. ۴- متناسب با نیاز های حال و آینده، علایق، ویژگی های روانشناختی دانش آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است.

۴-۴. یاددهی یادگیری: ۱- فرآیندی زمینه ساز برای ابراز گرایش های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است. ۲- یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط های متنوع یادگیری است. ۳- دیدگاه دانش آموزان را به طور معنادار نسبت به ارتباط با خود، خداوند، دیگران و مخلوقات، تحت تأثیر قرار دهد.

۴-۵. ارزشیابی: ۱- به صورت مستمر تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت ها و نیازهای وی ارائه می کند. ۲- زمینه انتخاب گری، خود مدیریتی و رشد مداوم دانش آموز را با تأکید بر خود ارزیابی فراهم می کند و بهره گیری از سایر روش ها را زمینه ساز تحقق آن می داند. ۳- ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش آموز می داند. ۴- کاستی های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می داند.

۴-۶. محیط یادگیری: ۱- با بهره گیری از ظرفیت های نظام هستی، محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزاننده و غنی را برای پاسخگویی به نیازها، علایق و ویژگی های دانش آموزان تدارک می بیند. ۲- مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است؛ اما یادگیری به آن محدود نمی شود و سایر محیط ها نظیر محیط های اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. ۳- با بهره گیری از ظرفیت و قابلیت محیط های مجازی و رسانه ها، زمینه بهبود موقعیت دانش آموزان و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی یادگیری را فراهم می آورد. ۴- خانواده از محیط های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری بشمار می آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه می باشد.

۴-۷. مدیرمدرسه: ۱- معلمی مؤمن، خلاق، متعهد، منعطف، اهل فکر، آینده نگر، مشارکت پذیر، راهبر تربیتی، مدیر و مدبر و دارای سعه صدر و صلاحیت های حرفه ای است. ۲- مسئولیت تأمین و توسعه محیط یادگیری را برای شکوفایی گرایش های فطری دانش آموزان بر عهده دارد. ۳- مسئولیت خلق موقعیت های تربیتی و آموزشی، انطباق یا تدوین، اجرا و ارزش یابی برنامه های درسی و تربیتی را در سطح مدرسه بر عهده دارد. ۴- با برقراری

روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و خانواده ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می سازد. ۵- از اختیارات متناسب برای پاسخگویی و مسئولیت پذیری در کلیه امور مدرسه برخوردار است.

۵- الگوی هدف گذاری

در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای در تدوین اهداف سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد بود. در الگوی هدف گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند. عناصر پنجگانه در شبکه ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می شوند و در فرآیند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش آموز می توانند سرآغاز سیر تربیتی دانش آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنجگانه، عنصر تعقل جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می شوند که هر کدام از آن ها نیز دارای مراتب معینی است.

عرصه ها عناصر رابطه باخویشتن (با محوریت رابطه با خدا) رابطه با خداوند متعال رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) با محوریت رابطه با خدا (رابطه ه با خلقت) طبیعت و با محوریت رابطه علم ایمان ایمان تعقل ایمان اخلاق عمل

۶- هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان به گونه ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند. انتظار می‌رود دانش آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنجگانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه ای از شایستگی های پایه دست یابند. این شایستگی ها بیان تفصیل یافته ای از هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی است.

۷- شایستگی‌های پایه

۷-۱. تعقل: ۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛ ۲- بصیر نسبت به آثار و پیامد های سبک زندگی خود؛ ۳- تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به عنوان خالق هستی؛ ۴- تدبیر در نظام خلقت و شگفتی های آن.

۷-۲. ایمان: ۱- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛ ۲- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛ ۳- ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم (ص)، ائمه معصومین علیهم السلام و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی بدیل آنها در هدایت و رستگاری بشر؛ ۴- باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛ ۵- ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون مندی خلقت و باور به زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛ ۶- ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی های جمعی و فردی انسان.

۷-۳. علم: ۱- شناخت خود، ظرفیت‌ها و هویت خویش؛ ۲- شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛ ۳- علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن ها و بهره برداری بهینه از آنان؛ ۴- علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آنها در زندگی اجتماعی؛ ۵- علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛

۶- آشنایی با ویژگی های نظام مردم سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛ ۷- آشنایی با روش های رمزگشایی پدیده ها و رمز گردانی آن ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و هنر.

۴-۷. عمل: ۱- عمل به آموزه های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛ ۲- به کارگیری ظرفیت های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛ ۳- بکارگیری آداب و مهارتها و سبک زندگی اسلامی ایرانی؛ ۴- به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛ ۵- بهره گیری از مهارتهای پایه برای شکل دهی هویت حرفه ای آینده خود به صورت مولد و کار آفرین؛ ۶- بهره گیری آگاهانه از یافته های علمی، هنری، فنی، حرفه ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن ها؛ ۷- حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه های طبیعی؛ ۸- به کارگیری مهارت های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به عنوان زبان دین؛ ۹- به کارگیری مهارت های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی.

۵-۷. اخلاق: ۱- رعایت تقوی الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی؛ ۲- متعهد به ارزشهای اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن داری، قدرشناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع دوستی و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛ ۳- ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛ ۴- ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر؛ ۵- تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛ ۶- ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛ ۷- التزام به اصول و ارزش های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری های نوین.

۸- حوزه های تربیت و یادگیری

حوزه های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روشها، فرایندها، و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می سازند. این حوزه ها با یکدیگر ارتباط داشته لیکن عناوین موضوعات درسی در دوره ها و پایه های تحصیلی لزوماً معادل عناوین حوزه ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات

اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط آن‌ها با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف گذاری؛ شایستگی‌های پایه؛ هم خوانی با اسناد فرادستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است.

اهداف هر یک از حوزه‌های یادگیری از منابع زیر اخذ خواهند شد: الف) اهداف دوره‌های تحصیلی؛ ب) شایستگی‌های پایه؛ ج) اهداف خاص حوزه یادگیری؛ د) اهداف مرتبط با سایر حوزه‌ها؛

۸-۱. عناوین حوزه‌های تربیت و یادگیری: ۱- حکمت و معارف اسلامی؛ ۲- قرآن و عربی؛ ۳- زبان و ادبیات فارسی؛ ۴- فرهنگ و هنر؛ ۵- سلامت و تربیت بدنی؛ ۶- کار و فن آوری؛ ۷- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛ ۸- ریاضیات؛ ۹- علوم تجربی؛ ۱۰- زبان‌های خارجی؛ ۱۱- آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده.

۸-۲. بیانیه حوزه‌های تربیت و یادگیری:

الف) حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی

دین اسلام، که از جانب خدای متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده شامل اعتقادات، اخلاق، احکام و کلیه نظاماتی است که انسانها برای رسیدن به مقصد متعالی خود بدان نیاز دارند. منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و جانشینان معصوم آن بزرگوار صلوات الله علیهم و عقل است. تعقل به معنای قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و ارزیابی یافته‌ها بر اساس نظام معیار (اسلام) است که از طرق معتبر به دست آمده است. حکمت به معنای علم متین، محکم و استوار دستاورد قوه تعقل است. حکمت و بصیرت زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرد در فرآیند صحیح تفکر با هدایت و رهبری عقل سلیم و نقل صحیح قرار گیرد. ایمان مبتنی بر تفکر، اساس اعمال دینی است و هیچ عمل دینی بی حضور تفکر و تعقل معنا و مفهوم ندارد. تفکر، مطالعه و پژوهش اساس معرفت دینی را تشکیل می‌دهد.

ضرورت و کارکرد حوزه: مهمترین هدف تشکیل نظام اسلامی به طور اعم و نظام آموزشی به طور اخص، تربیت دینی به معنای عمیق و گسترده آن است. دین مقدس اسلام برنامه جامع تربیتی انسان برای عبودیت و تقرب الی الله است. تعمیق معرفت و ایمان متریبان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام

است، مهمترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است تا به متریان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را بدهد تا بتوانند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند، فرد را توانمند سازد که به گونه ای فعال، جامعه را به سوی آرمان های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد.

حیات انسان، یک حیات فکری است و تفکر، استعدادی الهی است که در اثر تربیت به فعلیت می رسد و انسان می تواند در پرتو تقوای الهی، با متعادل کردن قوای درونی خویش، از آن در مسیر فطرت توحیدی بهره برداری کند. لذا فرآیند تربیت باید به گونه ای باشد که طی آن تفکر و تعقل و حکمت پرورش یابد. تقویت این توانایی، ایمان، باور، دانش و عملکرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و زمینه تعالی او را فراهم می سازد. فرآیند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد فرآیند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است. عملی ارزشمند است که حاصل ایمان به دین باشد؛ ایمانی که مبتنی بر معرفت و شناخت و حاصل تفکر و تعقل فرد باشد.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بخشی از رسالت یاد شده را در مجموعه برنامه های درسی بر عهده دارد، این حوزه می تواند زمینه لازم برای درک، تدبیر، تأمل، تفقه و بصیرت در دانش آموزان را فراهم کند و در نهایت، سبب شود تا فرد رفتار حکیمانه ای از خود بروز دهد. محدوده این آموزش، آن است که دانش آموزان دین را به عنوان راهنمای عمل و برنامه زندگی بشناسند و براساس آن، برنامه ریزی و عمل نمایند.

این معارف شامل سه بخش زیر است: الف) اعتقادات: در حد شناخت عقلانی اصلی ترین موضوعات اعتقادی شامل توحید، معاد، عدل، نبوت و امامت، ولایت فقیه، نظام خلقت و مسائل مبتلا به مربوط به آنها، بدون طرح جزئیات تخصصی هر موضوع است؛ در واقع حکمت نظری، یعنی دانش درباره واقعیت ها هست، ب) اخلاق: در حد شناخت مسائل و موضوعات اصلی اخلاقی و التزام به آن که در تکوین شخصیت انسان نقش محوری دارند و با توجه به

مسئله ها و چالش های اخلاقی روز؛ یعنی حکمت عملی که درباره بهترین رفتار انسان برای رسیدن به سعادت و کمال (بایدها و نبایدها) است موضوع این بخش از محتوا می باشد. ج) احکام: در حدی که هر فرد مکلف به طور معمول در زندگی فردی و اجتماعی خود بدان نیاز دارد و در صورت عدم اطلاع قبلی از آنها در انجام وظایف شرعی دچار مشکل می شود. نتایج یادگیری دانش آموزان در حوزه حکمت و معارف اسلامی در پایان دوره های تحصیلی عبارت اند از: آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت؛ احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن؛ تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامعه در شرایط مختلف اجتماعی؛ احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان؛ بهره مندی از حکمت نظری و عملی.

ب) حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

دین اسلام، راه هدایت انسانها به سوی کمال و رستگاری است. خداوند با هدایت خود انسان را به راه و مسیر حرکت به سوی کمال راهنمایی می کند. یکی از منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم است. قرآن کریم کتاب هدایت انسان ها است. ضرورت و کارکرد حوزه: تعمیق معرفت و ایمان دانش آموزان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهمترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. قرآن کریم، به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق و احکام است. توانایی خواندن همراه با درک معنا، تدبر در قرآن و انس با آن، سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی است. یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن سبب می شود که فرد بتواند به طور مستقیم با کتاب الهی ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد. همچنین آموزش این زبان سبب می شود که متریبان بتوانند از معارف اهل بیت علیهم السلام و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. از سوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی در آمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری قرآن و عربی شامل دو حوزه محتوایی آموزش قرآن کریم و آموزش عربی است و حد نهایی یادگیری در این دروس به شرح زیر است: الف) توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛ ب) توانایی درک

معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛ ج) توانایی نسبی تدبیر در آیات قرآن کریم به منظور درک ساده و اولیه دقایق و ظرائف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛ د) انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که دانش آموزان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و این امر را لازمه تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند. آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد. این دو حوزه محتوایی، ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و برنامه ریزی آنها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش های مشترک و نیز مطالب مکمل و تأیید کننده همدیگر استفاده مطلوب به عمل آید. جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه های تربیت و یادگیری «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی» سازماندهی محتوای حوزه های حکمت و معارف اسلامی و قرآن و عربی در دوره ابتدایی به صورت تلفیقی است. در دوره متوسطه اول حتی الامکان به صورت مجزا لیکن هماهنگ و در دوره متوسطه دوم، بجز در رشته علوم و معارف اسلامی، به صورت تلفیقی و درس عربی به صورت مجزا ارائه می شود. در رشته علوم و معارف اسلامی نیز درس های اختصاصی در حوزه معارف اسلامی ارائه می شود.

پ) حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

این حوزه شامل دو بخش زبان و ادبیات است. زبان، فرآیندی است که از درک و دریافت سخن آغاز می شود و به تولید کلام معنا دار می انجامد. ادبیات، تولیدی مرکب و چند سطحی است که واج، واژه، معنا و نحو، سطح و جنبه هنری را نیز شامل می شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می شود. ضرورت و کارکرد حوزه: زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و گنجینه گران ارجی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می دهد. در این حوزه، دانش آموزان با پیکره نظام مند و عناصر سازه ای زبان به گونه ای روشمند و علمی آشنا می شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش در این حوزه را کسب می کنند. بنیاد ارتباط انسان با دیگران بر زبان است. آموزش زبان بستر مناسبی را برای پرورش مهارتها و ارزشهای اخلاقی دانش آموزان

در قالب های متنوع زبان و ادبیات به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری و برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می کند که شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان می باشد. بیشترین فعالیت روزمره ما هنگام گفتگو با دیگران و استفاده از رسانه ها توسط زبان شکل می گیرد.

زبان دو کارکرد اصلی دارد: ۱- ابزاری برای ارتباط در مراودات اجتماعی، ۲- ابزاری برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است. از زبان برای هدف های گوناگون استفاده می شود، از جمله برای برآوردن نیازهای روزمره، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام تحقیق و کسب اطلاعات، آشنایی با پیشینه فرهنگی، حفظ آداب و رسوم قومی محلی، احساس تعلق و ایجاد هویت ملی، قدرت بیان عقاید شخصی، دریافت ایده ها و افکار، بیان تخیلات و بدیعه گویی، و دادن اطلاعات در زمینه های گوناگون. زبان بستری برای تفکر است. پرورش مهارت های زبانی زمینه درک مفاهیم در سایر متون و موضوعات درسی را فراهم کرده، به رشد مهارت های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش و ارزشهای اخلاقی کمک می کند.

قلمرو حوزه: آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی (دیداری) و مهارت های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) و چگونگی کاربست آنها و نیز ادبیات فارسی تأکید دارد.

در این حوزه، دانش آموزان به فهم زبان، باورها، ارزشها و نگرشها، ساختار زبانی، جایگاه و گشتار زبان فارسی و پیکره نظام مند و عناصر سازه ای و عوامل هنری و زیبایی در منابع اصیل و ادبیات کهن و معاصر دست می یابند. آموزش زبان و ادبیات فارسی، با رویکرد ارتباطی انجام می گیرد و بر انتقال ارزشهای فرهنگ اسلامی ایرانی تأکید دارد. زبان در بستر تجربیات ارتباطی طبیعی، بیشتر و بهتر آموخته می شود. لذا قانونمندی های زبانی شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجربیات واقعی و وابسته به موقعیت های فرهنگی دانش آموزان صورت می گیرد. این امر خصوصاً در سال های اولیه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مجموعه تجربیات ارائه شده در قالب های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش آموزان را افرادی پایبند به ارزشهای ملی و دینی و

متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می‌کند.

جهت گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوا در دوره ابتدایی عمدتاً کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد و کارکرد هنری زبان صرفاً با هدف لذت بردن از زبان دنبال می‌شود. در دوره‌های تحصیلی بالاتر توجه به کارکرد هنری زبان با هدف انتقال ارزش‌های فرهنگی و رشد و تقویت توانمندی‌های هنری متربیان و کسب هویت ملی صورت می‌گیرد.

(د) حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر

فرهنگ، مهمترین و غنی‌ترین منبع دستیابی به هویت است و از طریق جهت دادن به شیوه زندگی، امکان هویت‌یابی را به صورت فردی و جمعی فراهم می‌کند. فرهنگ شامل: باورها و ارزشها، تاریخ گذشته، مفاخر ملی، آداب و سنت‌ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است. حوزه یادگیری فرهنگ و هنر ناظر به درک معنا و روابط میان پدیده‌ها (آیه بینی و آیه خوانی)، زیبایی شناسی و قدرشناسی نسبت به نشانه‌های جمال الهی و زیبایی‌ها در پیشینه فرهنگی جامعه (نمادها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، اسوه‌ها و اسطوره‌ها) و حفظ و تعالی آن است.

ضرورت و کارکرد حوزه: با عنایت به اهمیت فرهنگ و هویت ملی و نقشی که این دو مقوله در استقلال، خودکفایی، عزت نفس و مقابله با از خودبیگانگی ایفا می‌کنند، فرهنگ و هنر از کارآمدترین امکانات در امر تربیت محسوب می‌شوند و موضوعاتی هستند که از فرهنگ اسلامی، ایرانی و انقلابی ما نشئت گرفته و در احراز هویت ملی اثرگذار می‌باشند. هنر به عنوان تجلی باورهای جامعه از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات است و می‌تواند به عنوان یکی از بارزهای هویت و به ویژه هویت فرهنگی و معنوی، موجب رشد و ارتقاء تمدن و فرهنگ جوامع مورد توجه قرار گیرد. تربیت فرهنگی و هنری سبب شناخت پیشینه فرهنگی و توانایی‌های فردی و توسعه ظرفیت‌های وجودی و کسب بخشی از شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی می‌شود. دستیابی به کمال در اخلاقیات و ارزیابی فرهنگ بشری بر اساس نظام معیار، درگرو دستیابی دانش آموزان به ابزار و رسانه‌هایی با توان بازنمایی

دامنه و عمق ارزشهاست. استفاده از هنر و قالب های هنری مناسب ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. شناختی که در اثر آشنایی با هنرها و میراث فرهنگی ایجاد می شود، زمینه ساز حفظ، احیا و اشاعه هنرهای ایرانی اسلامی، هویت بخشی به فرد و جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی است. مهمترین کارکرد این حوزه را می توان دستیابی به سواد فرهنگی و هویت بخشی، ایجاد شوق و نشاط، درک و بیان احساسات و معانی و ابراز وجود به زبان هنر، پرورش حواس، ذوق زیباشناسی، قدرت تخیل، خلاقیت، قدرشناسی از زیبایی ها و میراث فرهنگی و در نهایت دستیابی به بصیرت فرهنگی عنوان کرد. قلمرو حوزه: قلمرو حوزه فرهنگ و هنر شامل درک ایده های هنری، فرآیندها و مهارتهای هنری، ابراز هنری و میراث فرهنگی در دو عرصه عملی (تولید اثر بر پایه الفبا و قواعد ترکیب (و نظری) درک اثر بر پایه زیباشناسی، تاریخ فرهنگ و هنر، تجزیه و تحلیل و نقد آثار فرهنگی و هنری) است.

رمزگشایی و رمزگذاری پدیدهها در قالب های هنری شامل دو فرایند کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است. دستیابی به سواد فرهنگی و میان فرهنگی برای درک ارتباط فرهنگ ها، اقوام و ملیت ها در سطح ملی و جهانی و ارتباط خرده فرهنگ ها با فرهنگ معیار، تمایز فرهنگ مدرن و سنتی، بخشی از قلمرو محتوایی این حوزه یادگیری است. جهت گیری کلی این حوزه در سازماندهی محتوا و آموزش، «تربیت هنری» با تأکید بر دست یابی به بصیرت فرهنگی است. تربیت هنری زمینه درک زیبایی ها و نظم هستی که یکی از راه های شناخت خداوند و قدرشناسی نسبت به زیبایی ها و خالق آنهاست را فراهم می کند. سازماندهی فعالیت ها در قالب رویکرد تربیت هنری موجب درک زیبایی های طبیعت، محیط زندگی و آثار فرهنگی هنری، تقویت حواس، تخیل، تفکر، توان درک معانی آشکار و پنهان و غنا بخشیدن به ادراک حسی و عاطفی می شود. جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: سازماندهی محتوا در این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی مبتنی بر تربیت هنری و در دوره متوسطه دوم موضوع محور است. همچنین سازماندهی محتوا به صورت چند رشته ای و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی متربیان انجام می شود. تربیت فرهنگی و هنری در سال های آغازین تحصیل به صورت آموزش غیرمستقیم انجام می گیرد و به تدریج متناسب با دوره تحصیلی و رشته های هنری از روشهای

آموزش مستقیم بهره گیری می کند. در فرایند فعالیت های یادگیری و تولید اثر هنری، با ایجاد شرایط تصمیم گیری و حل مسئله، مهارت رویارویی با مسائل و مشکلات، درک صحیح رویدادها و پدیده ها با تکیه بر عواطف، امکان ابراز احساسات، افکار، ایده ها، دریافت های شخصی، پرورش قوه خیال (تخیل)، خلاقیت و وجه فردی دانش آموز، از طریق به کارگیری حواس مختلف در قالب های متنوع هنری فراهم می شود. بصیرت فرهنگی و تربیت هنری رویکردی فرارنامه درسی بوده و روح حاکم بر کل نظام آموزشی است و استفاده از ظرفیت همه حوزه های تربیت و یادگیری، خصوصاً علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و زبان و ادبیات فارسی را طلب می نماید.

(ت) حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامت کامل جسمی و روانی دانش آموزان به عنوان امانت الهی و بکارگیری روشهای درست انجام فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی های بدنی و حرکتی، تبیین روش های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است. ضرورت و کارکرد حوزه: در آموزه های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می شود. حفظ بدن از خطرهای آسیب ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی می باشد و در کلام معصومین علیهم السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعاد از حیات طیبیه است. کسب صلاحیت های اساسی این حوزه، دانش آموزان را قادر می سازد تا ظرفیت های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسند، به آن اعتماد کنند و در جهت پرورش آن کوشا باشند. این آموزه ها به دانش آموزان کمک می کند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامت جسمی و روانی و نشاط فردی و اجتماعی، به خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند. دانش آموزان در خلال ورزش و فعالیت های بدنی یاد می گیرند چگونه در قالب گروهی کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه ریزی کنند، خطرکنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند.

سلامت و بهداشت موجب رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی و پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت های جسمی، حسی، حرکتی، و موجب توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود و پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود زندگی دانش آموزان می شود.

قلمرو حوزه: بهداشت و سلامت، ورزش و تربیت بدنی و تفریحات سالم به عنوان موضوعات همبسته یک حوزه شناخته شده اند و اهداف مشترک بسیاری دارند. توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت های ایمنی از مهمترین اهداف این حوزه می باشد. این حوزه تربیت و یادگیری دارای دو زیر حوزه اصلی «سلامت و بهداشت» و «تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم» می باشد که شامل موارد زیر است: مهارت های حرکتی و آمادگی جسمانی؛ بازیها و رشته های ورزشی؛ تفریحات سالم؛ اصول تغذیه سالم و متوازن؛ ایمنی و پیشگیری از آسیب های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف؛ مهارت های زیستی و بهداشت فردی و عمومی؛ نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع؛ بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی. جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوای این حوزه در کلیه دوره های تحصیلی باید ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، روانی و معنوی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در دوره متوسطه دوم، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه ای موضوع محور و براساس رشته های ورزشی خواهد بود.

ث) حوزه تربیت و یادگیری کار و فن آوری

حوزه کار و فن آوری شامل کسب مهارت های عملی برای زندگی کارآمد و بهره ور و کسب شایستگی های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهت تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است.

ضرورت و کارکرد حوزه: با توجه به آموزه های اسلامی، کار و اشتغال از ارزش تربیتی برخوردار است و انسان از طریق کار، نفس سرکش را رام کرده و شخصیت وجودی خویش را صیقل داده، هویت خویش را تثبیت کرده و زمینه ارتقاء وجودی خویش را مهیا و امکان کسب روزی حلال و پاسخگویی به نیازهای جامعه را فراهم می آورد.

آموزش فناوری، کار و مهارت آموزی، باعث پیشرفت فردی، افزایش بهره وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه یافتگی خواهد شد. قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل چهار دسته شایستگی است: ۱- شایستگی های محوری غیر فنی دنیای کار؛ ۲- شایستگی های پایه فنی مورد نیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون؛ ۳- شایستگی های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ ۴- شایستگی های مربوط به یادگیری مادام العمر فنی و حرفه ای. جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی های این حوزه در دوره آموزش عمومی به صورت عینی، تجربی و عمدتاً در هم تنیده با دیگر حوزه های تربیت و یادگیری و از طریق تجربه در محیط های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد و زمینه هدایت دانش آموزان را با توجه به علایق و توانایی هایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه ای و شغلی فراهم می کند. در تدوین فعالیت های یادگیری این حوزه در کلیه دوره های تحصیلی، دیدگاه فناورانه حاکم خواهد بود. در پایه های اول تا سوم دوره ابتدایی مهارت های مربوط به کار به صورت تلفیقی با سایر حوزه های یادگیری ارائه می شود. در پایه های چهارم تا ششم دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول مهارت های مربوط به کار در قالب پروژه و بر اساس نیازها، استعدادها، علایق و موقعیت های محلی تعریف و به صورت عملی اجرا خواهد شد. فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه بر تلفیق با سایر حوزه های یادگیری می تواند به صورت مستقل ارائه شود. سازماندهی محتوا در دوره متوسطه دوم به صورت زیر خواهد بود: گروه اول: در این گروه دانش آموزان قادر خواهند بود پس از پایان دوره متوسطه جذب دنیای کار شوند. حرفه های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح یک یا دو مهارتی تعریف می شوند. مراکز یادگیری در اجرای این آموزشها می توانند خارج از مدرسه و با مشارکت بخش دولتی و غیر دولتی تشکیل شوند. نیازهای منطقه ای باید در طراحی و تدوین این گروه از برنامه درسی لحاظ شوند. گروه دوم: در این گروه دانش آموزان قادر خواهند بود پس از پایان دوره کاردانی جذب دنیای کار شوند. حرفه های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل، در سطوح دو یا سه مهارتی تعریف می شوند. در این گروه بین شایستگی های گروه های اصلی حرفه و شایستگی های حرفه های انتخاب شده، تعادل برقرار است. مراکز یادگیری در این نوع آموزش ها متنوع است. برنامه ریزی درسی این گروه و اجرای آن با مشارکت آموزش و

پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام می شود. ۳- گروه سوم: در این گروه، برنامه درسی دانش آموزان دوره متوسطه نظری باید به گونه ای طراحی شود که هردانش آموز در پایان دوره متوسطه دوم، در یکی از فعالیت های فنی و حرفه ای ساده متناسب با نیازها و علایق خود مهارت کافی عملی را کسب کرده باشد و این امر در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان یک معیار لحاظ گردد. گروه بزرگ حرفه های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح سه یا چهار مهارتی قرار دارند.

ج) حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی به مطالعه کنش ها و تعاملات انسانی و توانایی ایجاد رابطه مثبت و سازنده با خلق حول محور رابطه با خدا؛ درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد مختلف (زمان، مکان، عوامل طبیعی و اجتماعی) و سنت های الهی حاکم بر فرد و جامعه می پردازد؛ و در پی تقویت و پرورش کنش های مطلوب، متناسب با نظام معیار اسلامی است. ضرورت و کارکرد حوزه: زندگی توحیدی نیازمند درک سنت های الهی، مطالعه محیط طبیعی و انسانی (سیر در آفاق و انفس)، احساس همدلی، نوع دوستی و احترام نسبت به دیگران و کنترل هیجانات و احساسات به هنگام قرار گرفتن در موقعیت های واقعی و چالش برانگیز (خانوادگی، اجتماعی، بین المللی) است. حصول تربیت متعالی در گرو رابطه و تعامل متقابل فرد و جامعه است. آموزش های این حوزه برخاسته از فرهنگ و تاریخ جامعه، در خدمت هویت تاریخی و فرهنگی آن می باشد و بسترهای لازم برای تحقق عدالت و پیشرفت را فراهم می آورد. دانش آموزان نیاز دارند در آموزش های مدرسه ای فرصت هایی برای به چالش کشیدن ایده های خود و دیگران در خصوص مسایل اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی در اختیار داشته باشند تا از این طریق روحیه حقیقت جویی، عدالت خواهی، حق طلبی، تکلیف مداری، دعوتگری، مذاکره، انصاف، و نوع دوستی و پذیرفتن مسئولیت الهی خود در قبال نوع بشر، خصوصاً محرومان و مستضعفان را پرورش دهند. آنان باید بتوانند ویژگی های تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی و تأثیر آن در توسعه جامعه بشری را درک کرده و نقش خود را در جهان امروز برای حفظ و ارتقا موقعیت و جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه و در سطح جهان بشناسند. آموزش تعامل مسئولانه با جامعه و مسائل آن و نیز ارتقای شایستگی

ها برای اصلاح دین مدارانه مسائل زندگی فردی و جمعی از کارکردهای مهم این حوزه است قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل: درک موقعیت و ابعاد آن در بعد زمان (گذشته، حال، آینده)، مکان (خانه، محله، شهر، کشور، زمین، کیهان)، عوامل طبیعی (محیط طبیعی، محیط زیست)، عوامل اجتماعی (ساختارها و نهادهای اجتماعی، هنجارها، رفتارها و روابط انسانی، قراردادهای و تعامل آنها؛ آمایش سرزمین؛ درک چگونگی حاکمیت سنت های الهی بر زندگی انسان در طول تاریخ و کسب مهارت های اجتماعی (مهارت در فعالیت های گروهی، توسعه روابط انسانی بردباری، وفاق و همدلی و مسالمت جویی، نوع دوستی و... رعایت حقوق و انجام تکالیف) و اقتصادی (مهارت های اقتصادی، صرفه اقتصادی، داد و ستد، تولید، توزیع، مصرف و قناعت) به عنوان یک عضو مسئول جامعه ایران اسلامی می باشد.

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی های مورد انتظار تا پایان دوره آموزش عمومی در قالب تجربیات یادگیری تلفیقی ارائه می شود و فرصت درک مفهوم موقعیت در ابعاد مختلف آن را فراهم می کند. همچنین دانش آموزان توانایی لازم برای مشارکت آزادانه و آگاهانه در فعالیت های اجتماعی را کسب می کنند. این شیوه سازماندهی محتوا، فرصت هایی را برای کسب تجربیات دست اول در سطح کلاس درس، مدرسه و جامعه محلی در اختیار مدارس و مربیان قرار می دهد. دانش آموزان ضمن روبرو شدن با موقعیت های واقعی و چالش برانگیز توانایی لازم برای حل مسایل واقعی زندگی فردی و اجتماعی و دست یابی به مرتبه ای از عقلانیت اجتماعی را کسب می کنند. آموزش در دوره متوسطه دوم به موقعیت های واقعی زندگی نزدیکتر بوده و فرصت های بیشتری را برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی، در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. در این دوره ضمن تأکید بر پرورش مهارت های کار گروهی و شرکت در ارائه خدمات اجتماعی بر حسب ورود دانش آموزان به شاخه نظری و گرایش / رشته علوم انسانی، محتوا جنبه نیمه تخصصی پیدا می کند. فرایند یاددهی یادگیری مبتنی بر پرسشگری نقادانه و استدلالی و استفاده از روش های کاوشگری به شیوه مشارکتی، پژوهش مشارکتی، پروژه، مطالعه موردی، مطالعه کتابخانه ای اسنادی، موقعیت های واقعی (برنامه ریزی، تأمین منابع برای

ارائه خدمات اجتماعی به گروه های نیازمند) و مشارکت در فعالیت های جمعی در سطح جامعه (اردوهای عمرانی، خدماتی، پژوهشی) از روش های مورد تأکید این حوزه یادگیری است.

چ) حوزه تربیت و یادگیری ریاضیات

ریاضیات ریشه در قوه تعقل انسانی و نقشی مؤثر در درک قانونمندی طبیعت دارد. ریاضیات به عنوان علم مطالعه الگوها و ارتباطات، هنری دارای نظم و برخوردار از سازگاری درونی، زبانی دقیق برای تعریف دقیق اصطلاحات و نمادها و ابزار کار در بسیاری از علوم و حرفه ها تعریف شده است. ضرورت و کارکرد حوزه: ریاضیات و کاربردهای آن بخشی از زندگی روزانه و در جهت حل مشکلات زندگی در حوزه های مختلف به شمار می آید که دارای کاربردهای وسیع در فعالیت های متفاوت انسانی است. ریاضیات، موجب تربیت افرادی خواهد شد که در برخورد با مسائل بتوانند به طور منطقی استدلال کنند، قدرت تجزیه و انتزاع داشته باشند و درباره پدیده های پیرامونی تئوری های جامع بسازند. وجه مهم ریاضی توانمندسازی انسان برای توصیف دقیق موقعیت های پیچیده، پیش بینی و کنترل وضعیت های ممکن مادی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی است. بنابراین، توانایی به کارگیری ریاضی در حل مسائل روزمره و انتزاعی، از اهداف اساسی آموزش ریاضی می باشد.

قلمرو حوزه: قلمرو حوزه آموزش ریاضیات از یک سو، درک مفاهیم ریاضی شامل: اعداد و محاسبات عددی؛ جبر و نمایش نمادین (الگوها، رابطه ها و تابع ها)؛ هندسه و اندازه گیری؛ داده ها، آمار و احتمال است. از سوی دیگر، در این حوزه دانش آموزان باید با فرآیندهای ریاضی نظیر حل مسئله و به کارگیری استراتژی های حل مسئله، مدل سازی (مسائل واقعی و پدیده ها)، استدلال، تفکر نقاد و استدلال منطقی (تعمیم دادن، پیش بینی، فرضیه سازی، حدسیه سازی و آزمودن حدسیه ها، توضیح دادن و تبیین جوابها/ تأیید و تصدیق کردن جوابها، دسته بندی کردن، مقایسه کردن، به کارگیری الگوها)؛ تفکر تجسمی یا دیداری و تفکر خلاق (استدلال فضایی، حل کردن مسئله های غیرمعمول، الگوهای تجسمی، تولید مسئله در قالب داستانی و بافت واقعی و تخیلی)، اتصال و پیوندهای موضوعی و مفهومی ریاضی، گفتمان ریاضی (فرهنگی و ارتباطی خواندن و نوشتن ریاضی)، تصمیم گیری و تصمیم سازی، تخمین زدن، و دقت یافتن آشنا شده و در آنها مهارت یابند. فناوری در ریاضیات و

کاربردهای آن (حسابگرها و رایانه ها، نرم افزارهای رایانه ای) از نکات مورد تأکید در استفاده از فناوری های نوین در ریاضیات است. فرهنگ و تمدن ایران و اسلام از طریق شرح خدمات دانشمندان و ریاضیدانان ایرانی و نقش آنان در تاریخ ریاضی بخشی از محتوای این حوزه را تشکیل می دهد.

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: ریاضیات از نظر ماهیت، علمی مجرد است، ولی بستر رشد و توسعه آن، مشاهده و توصیف و تجزیه و تحلیل محیط پیرامونی است. در ریاضیات مدرسه ای، فعالیت های آموزشی باید برخاسته از ریاضیات محیط پیرامون باشد و به دانش آموزان کمک کند تا مفاهیم و گزاره های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه و تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند. این امر، امکان درک شهودی آنان که راهنمای عمل ریاضیدانان است را تقویت می کند. بحث شهود، در ریاضیات مدرسه ای بسیار اساسی است. یادگیری عمیق مفاهیم ریاضی وقتی رخ می دهد که دانش آموزان خودشان در طی حل یک مسئله قابل توجه به آن مفاهیم رسیده باشند و خودشان آن مفاهیم را ساخته باشند. این عمل مشابه یک پژوهش در ریاضی است. بنابراین، در فرایند یاددهی یادگیری ریاضی، دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه مفاهیم جدید رخ می دهد، چگونه باید آن ها را نامگذاری کرد و چگونه می توان با آن ها کار کرد و آن ها را تعمیم داد. تا پایان دوره آموزش عمومی موضوعات محتوایی این حوزه براساس تلفیقی از شبکه های مفهومی و مهارتی، سازمان دهی می شود و در دوره متوسطه دوم برحسب رشته های تحصیلی در قالب موضوع های محوری با جهت گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

ح) حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی

علم تجربی حاصل تلاش انسان برای درک دنیای اطراف، و دانشی آزمودنی است که با ظهور شواهد و دلایل جدید در معرض تغییر قرار گرفته و از گستره وسیعی از روش های تحقیق بهره می برد. علوم تجربی هم در مرحله تکوین و شکل گیری چارچوب های مفهومی و هم در عرصه چگونگی کاربرد و عمل و تصرف در طبیعت در بستر گستره دیگر حوزه های معرفتی بشر شکل می گیرد و نشو و نما می کند. از این رو، تعاملی انکارناپذیر با فلسفه، باورها و ارزش های پذیرفته شده فرد و جامعه دارد. با توجه به جهت گیری های این برنامه، علم تجربی حاصل کوشش

انسان برای درک واقعیت های هستی و کشف فعل خداوند است. ضرورت و کارکرد حوزه: پرورش علمی دانش آموزان و برخوردار شدن ایشان از سواد علمی فناوریانه در بُعد شخصی و فردی از لازمه های زندگی سالم و موفقیت آمیز، و در بُعد اجتماعی لازمه بقای عزت مدار و توسعه پایدار ایران اسلامی است، از این رو، رشد و ارتقاء توانمندی ها و شایستگی های دانش آموزان در عرصه علوم تجربی به شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقاء سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می انجامد. آموزش علوم تجربی از یک سو، در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درک دنیای اطراف و زمینه سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق فهم عظمت خلقت ضرورت دارد، و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روزافزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته ها و فرآورده های علمی فناوریانه ضروری می نماید. از این رو، اگرچه پرورش سواد علمی فناوریانه محور مشترک تمامی برنامه های آموزش علوم به شمار می آید، ولی براساس مبانی تربیت اسلامی، علاوه بر این محور، تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دستیابی به درک غایتمند از خلقت و به عبارتی باز کشف و کشف رمز و راز لایه های مادی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری علوم تجربی شامل مطالعه فرایندهای حیاتی و موجودات، زمین و پیرامون آن، تغییرات ماده و انرژی، طبیعت و مواد فراوری شده، علوم در اجتماع، علوم در زندگی روزانه و تاریخ علم در ایران و اسلام است. تربیت علمی فناوریانه تنها آموزش یافته ها و فرآورده های علمی یا به عبارت دیگر تنها مفاهیم و دانش علمی را دربر نمی گیرد؛ بلکه فرایندهای علمی و روش علم آموزی هم چون مهارت های فرایندی (مشاهده، جمع آوری اطلاعات، اندازه گیری، تفسیر یافته ها، فرضیه و مدلسازی، پیش بینی، طراحی تحقیق و برقراری ارتباط) و مهارتهای پیچیده تفکر را نیز مورد توجه قرار می دهد. همچنین نگرشهای ناشی از علم، بخصوص به محیط زیست، و نگرش های ناظر به علم و فناوری از اجزای جدایی ناپذیر فعالیت های علمی فناوریانه است و دریچه ای برای ورود مبانی فلسفی پذیرفته شده را فراهم می کند.

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: با عنایت به پذیرش اصل همه جانبه نگری و براساس رویکرد تلفیق در همه حوزه های یادگیری، پرورش علمی با اتخاذ روش هایی که با تلفیق نظر و عمل سازگاری دارند به پرورش مهارت های فرایندی علمی می پردازد و به انتقال فراورده های دانش اکتفا نمی کند. بر این اساس یادگیرنده در محور تمامی فعالیت های یادگیری قرار می گیرد و آموختن روش و مسیر کسب علم، آگاهی و توانایی، یکی از اهداف اصلی آموزش تلقی می شود. این امر در مسیری رشد یابنده و تعالی جو، زمینه ساز پرورش انواع تفکر می شود و خودیادگیری، ژرف اندیشی و تعالی جویی در دانش آموزان را میسر می سازد. ایجاد ارتباط بین آموزه های علمی و زندگی واقعی و مرتبط ساختن محتوای یادگیری با کاربردهای احتمالی آن به معنادار شدن یادگیری و کسب علم مفید، سودمند و هدفدار برای دانش آموزان، منجر می شود. این امر به پرورش انسان هایی مسئولیت پذیر، متفکر و خلاق مدد می رساند. سازماندهی محتوای این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی است و در دوره متوسطه دوم بر حسب رشته های تحصیلی در قالب موضوع های محوری با جهت گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

خ) حوزه تربیت و یادگیری زبانهای خارجی

آموزش زبانهای خارجی بستر مناسبی را برای درک، دریافت، تعاملات فرهنگی و انتقال دستاوردهای دانش بشری در قالب های متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری، و نوشتاری، برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در چارچوب نظام معیار اسلامی فراهم می کند. ضرورت و کارکرد حوزه: از آن جا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است دانش آموزان علاوه بر زبان مادری که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فردی (خانوادگی، محلی و ملی) را می دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه ای و جهانی دارا باشند. آموزش زبان خارجی علاوه بر کارکرد ارتباط میان فردی و بین فرهنگی، در توسعه اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فن آوری، توسعه علم، و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است.

قلمرو حوزه: آموزش زبان بر توانایی ارتباطی و حل مسئله تأکید دارد به گونه ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت های چهارگانه زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن، و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا گردد. برنامه درسی آموزش زبان باید دانش آموزان را با پیکره زبانی، واژگان و ساخت های مورد نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی آشنا سازد. آموزش زبان های خارجی از ابتدای دوره متوسطه اول آغاز می شود و هدف آن آموزش چهار مهارت زبانی و آشناسازی دانش آموزان با مهارت های ارتباطی در چارچوب جهت گیری های کلی مورد نظر خواهد بود. در دوره متوسطه دوم، دانش آموزان باید بتوانند متن هایی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم آنها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله کوتاه، به زبان خارجی نیز در آنها تقویت شود و از توانایی های لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط و برقراری ارتباط به یکی از زبانهای خارجی را داشته باشند. آموزش به یکی از زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبانهایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند ارائه خواهد شد.

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: آموزش زبانهای خارجی باید از دایره تنگ نظریه ها، رویکردها و روشهای تدوین شده در جهان فراتر رود و به عنوان بستری برای تقویت فرهنگ ملی و باورها و ارزش های خودی در نظر گرفته شود. رویکرد آموزش زبانهای خارجی، رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه است. در سطوح آغازین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت، زندگی روزمره، محیط اطراف و ارزش ها و فرهنگ جامعه در قالب های جذاب انتخاب و سازماندهی می شود و در سطوح بالاتر انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه های یادگیری و در جهت تعمیق آنها خواهد بود. در پایان دوره متوسطه دوم دانش آموزان باید توانایی خواندن و درک متون ساده تخصصی و نوشتن مقاله را کسب کنند. در دوره متوسطه دوم گسترش دامنه واژگان رشته های تخصصی به درک بهتر متون و برقراری ارتباط علمی کمک می کند.

د) حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده

برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت‌های زندگی مکمل یکدیگر و هر دو به دنبال آموزش سبک و آیین زندگی اند. بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد. ضرورت و کارکرد حوزه: در جامعه امروز افراد برای حفظ و عمل به باورها و ارزش‌های دینی اخلاقی، به الگوها، دانش و مهارت‌هایی نیاز دارند که به آنها در برقراری ارتباط سازنده در چهار عرصه (ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت) کمک کند. انسانها آن گونه زندگی می‌کنند که می‌اندیشند. باورها، گرایش‌ها و افکار آدمیان در سبک و نحوه زندگی ایشان تأثیر دارد. آموزش‌های این حوزه می‌تواند به یکپارچه شدن یادگیری و سامان دادن ارتباط‌های انسانی و تعمیم آن به موقعیت‌های جدید کمک کند.

قلمرو حوزه: آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، شایستگی‌های لازم برای خود مدیریتی دانش‌آموزان در اداره امور روزمره زندگی شامل: آداب معاشرت، آداب معیشت، مدیریت زمان، کارکرد، وظایف و مهارت‌های خانوادگی، آمادگی برای تشکیل خانواده و ایفای نقش والدینی، مدیریت رفتارهای هیجانی و تربیت عاطفی، مدیریت اوقات فراغت، خودآگاهی، مهارت‌های تحصیلی و مطالعه، آداب زندگی در محیط مجازی، هویت‌یابی، ارتباط مؤثر، مراقبت از محیط زیست، مدیریت بحران و خطر، مهارت کار با دیگران و مهارت‌های پدافند غیر عامل و آمادگی دفاعی را فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: انتخاب و سازماندهی فعالیت‌های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌های تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، توجه به شیوه‌های

آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است. سازماندهی محتوای فعالیت های یادگیری این حوزه به تناسب نیاز و شرایط دوره های تحصیلی و با توجه به زمینه های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی در سایر دروس خواهد بود.

۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری

راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم علاوه بر اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری به شرح زیر خواهد بود:

۹-۱- امکان درک و تفسیر پدیده ها، وقایع، و روابط را در موقعیت های واقعی زندگی تدارک ببیند، به گونه ای که شرایط را برای درک و تصمیم گیری در مورد مسایلی که دانش آموزان در موقعیت های مختلف با آن مواجه می شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.

۹-۲- انگیزه دانش آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش هایی درباره پدیده ها، وقایع و روابط آن ها شکوفا و تقویت کند.

۹-۳- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه های علت و معلولی یا وابستگی پدیده ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش آموزان فراهم کند.

۹-۴- فرصت هایی را تدارک ببیند که شایستگی های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.

۹-۵- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت های وجودی دانش آموزان و توسعه شایستگی ها فراهم کند.

۹-۶- با بهره مندی فزونتر از روش های فعال، خلاق و تعالی بخش و با سازمان دهی نوآورانه و خلاق فرآیند جمع آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۹-۷- صرفاً به انتقال دانش محدود نشده بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.

۹-۸- زمینه تعامل مؤثر دانش آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط های یادگیری فراهم کند.

۹-۹- زمینه بهره گیری هوشمندانه از فناوری های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آن ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمند سازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال کند.

۱۰- اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

برای نظام بخشی به تصمیمات در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره های تحصیلی اصول زیر باید مدنظر برنامه ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

۱۰-۱- با استفاده از انواع روشها و ابزارها، بتواند توانایی دانش آموزان، را در بهره گیری از شایستگی های پایه در موقعیت های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید. ۱۰-۲- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید. ۱۰-۳- به صورت منعطف و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هریک از دانش آموزان، فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید. ۱۰-۴- با تأکید بر خودآگاهی، خود ارزیابی و تصمیم گیری از سوی دانش آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه های یادگیری را تدارک ببیند. ۱۰-۵- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش آموزان و تقویت خود پنداره مثبت آنان از بکارگیری روش ها و ابزارهای ارزش یابی اضطراب آور و مایوس کننده، پرهیز شود. ۱۰-۶- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت های وجودی و وجوه توانایی های متفاوت هر یک از دانش آموزان، امکان مشارکت سایر دانش آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند. ۱۰-۷- در فرآیند ارزشیابی، نقش محوری و تصمیم سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست های کلی آموزش و پرورش حفظ شود. ۱۰-۸- طراحی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره های تحصیلی، رویکرد ارزش یابی فرآیند محور در ارتقای پایه های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه های تحصیلی مبنای قرار گیرد. ۱۰-۹- با

تأکید بر کار گروهی و فعالیت های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت زایی یا رقابت جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش آموزان را فراهم کند. ۱۰-۱۰- ارزشیابی به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرایند یاددهی یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه ریزی رشد حرف های معلمان و بهبود برنامه درسی و نظام آموزشی استفاده شود. ۱۰-۱۱- با تأکید بر بهره گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش آموزان به شایستگی ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارایه شود.

۱۱- فرآیند تولید و اجرای برنامه های درسی و تربیتی

تولید و اجرای برنامه های درسی و تربیتی بر اساس مراحل و فرآیند ذیل انجام می شود:

۱۱-۱- تحلیل اهداف کلان آموزش و پرورش و ویژگی های حیات طیبه براساس سند تحول بنیادین ۱۱-۲- تحلیل عناصر برنامه درسی ملی و استخراج دلالت ها ۱۱-۳- تحلیل نیازها و پژوهش های انجام شده در حوزه تربیت و یادگیری در سطح منطقه ای، ملی و جهانی ۱۱-۴- تهیه راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری (تعیین اهداف، استانداردهای محتوا، نتایج یادگیری و...) ۱۱-۵- اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری ۱۱-۶- بررسی و تأیید راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ۱۱-۷- تصویب راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری در شورای عالی آموزش و پرورش اجرای برنامه ۱۱-۸- اعتبار بخشی و ارزشیابی ۱۱-۹- ارزشیابی از برنامه های درسی هر یک از حوزه های تربیت و یادگیری پس از گذشت سه سال از اجرای سراسری هر برنامه در هر یک از دوره های سه ساله تحصیلی توسط سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی انجام و نتیجه به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش می شود.

فرآیند تولید برنامه های درسی و تربیتی حوزه های تربیت و یادگیری تحلیل برنامه درسی ملی و اهداف دوره تحصیلی و استخراج دلالت ها تحلیل اهداف کلان آموزش و پرورش و ویژگی های حیات طیبه و جامعه عدل

مهدوی (عج) بر اساس سند تحول بنیادین تحلیل نیازها و پژوهش های انجام شده در حوزه یادگیری در سطح منطقه ای، ملی و جهانی تهیه راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری (تعیین اهداف، استانداردهای محتوا و نتایج یادگیری و...) بررسی و تأیید راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی تصویب راهنمای برنامه درسی در شورای عالی آموزش و پرورش اجرای برنامه اعتبار بخشی و ارزشیابی

۱۲- سیاست های تولید مواد و رسانه های یادگیری

در طراحی و تولید مواد و رسانه های یادگیری و در راستای تحقق رویکرد برنامه درسی ملی، سیاست های زیر مورد تأکید می باشد:

۱۲-۱- تعیین استانداردهای ملی برای مواد و رسانه ها، مراکز و منابع یادگیری و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش و نظارت بر حسن اجرای آن توسط وزارت آموزش و پرورش؛ ۱۲-۲- بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی با رویکرد حل مسئله در تولید مواد و رسانه های یادگیری؛ ۱۲-۳- توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه سازی برای مشارکت فعال استان ها، معلمان، مربیان، افراد و تشکل های ذی علاقه و ذیصلاح با تأکید بر بخش غیر دولتی در تولید، تکمیل و غنی سازی مواد، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چارچوب سیاست های آموزش و پرورش؛ ۱۲-۴- بستر سازی برای بسط و توسعه تجارب و ابتکارات معلمان و مربیان و دانش آموزان در طراحی، ساخت و ارزشیابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری؛ ۱۲-۵- توسعه و تقویت مراکز و منابع یادگیری داخل و خارج از مدرسه به ویژه جامعه محلی و بهره برداری از آنها؛ ۱۲-۶- تولید و توزیع مواد و منابع یادگیری متناسب با توانمندی ها و ظرفیت های مناطق و مدارس کشور برای تحقق عدالت تربیتی؛ ۱۲-۷- تولید محتوای الکترونیکی چند رسانه ای متناسب با نیاز معلمان و دانش آموزان و استفاده هوشمندانه از آنها؛ ۱۲-۸- تأکید بر سیاست برنامه محوری و تولید بسته های آموزشی؛ ۱۲-۹- توانمند سازی مدرسه برای ایفای نقش اصلی و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره برداری از مواد و رسانه های یادگیری، مراکز و منابع متنوع یادگیری.

۱۳- ساختار و زمان آموزش

۱۳-۱- ساختار نظام آموزش و پرورش ساختار نظام تحصیلی آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۶ سال دوره متوسطه (جمعاً دوازده سال) است. هر دوره تحصیلی نیز به دو دوره سه ساله تقسیم می شود؛ دوران تحصیل رسمی و عمومی، با توجه به ماهیت و ویژگی برنامه های درسی شامل دوره آموزش عمومی (مربکب از دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول) و نیمه تخصصی (دوره متوسطه دوم) خواهد بود و در پایان دوره متوسطه دوم به دانش آموزان مدرک دیپلم اعطا می شود؛ دوره پیش دبستان به دوره دو ساله رسمی و غیر اجباری اطلاق می شود که کودکان گروه سنی ۵ و ۶ سال را تحت پوشش برنامه های آموزشی و تربیتی قرار می دهد. برنامه های آموزشی و تربیتی این دوره و میزان حضور نوآموزان در مراکز پیش دبستانی با توجه به ویژگی های کودکان منعطف و سیال است. سن شروع دوره ابتدایی، ۶ سال تمام خواهد بود. برنامه های درسی سه سال اول دوره ابتدایی به صورت منعطف با عنایت به توانایی ها و تفاوت های دانش آموزان تدوین و در آن آموزش های پیش نیاز و جبرانی ویژه کودکان مناطق محروم و دو زبانه پیش بینی می شود؛ مشاوره و هدایت تحصیلی و تربیتی در همه دوره های تحصیلی الزامی است. انتخاب شاخه و رشته تحصیلی در پایان دوره آموزش عمومی و بر اساس نتایج عملکرد درسی و تربیتی در طول این دوره تحصیلی صورت می گیرد؛ دوره متوسطه دوم دارای سه شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش است؛ هر یک از شاخه های این دوره دارای رشته هایی خواهد بود که تنوع آنها براساس نیاز جامعه، اقتضای زمان و امکان اجرای آن تعیین می شود.

زمان تعلیم و تربیت سال تحصیلی از اول مهر ماه هر سال شروع و تا پایان شهریور ماه سال بعد ادامه خواهد داشت؛ زمان آموزش هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی ۹۲۵ ساعت، در دوره متوسطه اول ۱۱۱۰ ساعت و در دوره متوسطه دوم شاخه نظری ۱۲۹۵ ساعت و شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش ۱۴۸۰ ساعت خواهد بود. علاوه بر این، در تمامی پایه ها ۵۰ ساعت به فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضائات برنامه درسی هر

حوزه یادگیری اختصاص می یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی در اختیار استان ها، مناطق و مدارس قرار می گیرد (جمعاً ۱۰۰ ساعت). با عنایت به راهکار ۵۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بنا به ضرورت پاسخگویی به نیازها و اقتضائات محلی و منطقه ای، برنامه ریزی و تأمین محتوای بخشی از زمان رسمی تعلیم و تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود که در چارچوب آئین نامه های ابلاغی برنامه ریزی و اجرا می شود؛ ساعات کار هفتگی دوره ابتدایی ۲۵ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه در پایه های اول، دوم و سوم ۴۵ دقیقه و در پایه های چهارم، پنجم و ششم ۵۰ دقیقه می باشد. میانگین ساعات کار هفتگی دوره متوسطه اول ۳۰ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می باشد، و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم نظری حداکثر ۳۵ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می باشد و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم فنی و حرفه ای و کاردانش متناسب با رشته های تحصیلی حداکثر ۴۰ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می باشد.

تبصره: زمان اختصاص یافته به هر جلسه و زمان استراحت بین آنها مجموعاً ۶۰ دقیقه می باشد و تلفیق دو جلسه درسی بویژه در دوره ابتدایی مجاز نمی باشد. جدول عناوین دروس و زمان اختصاص یافته به آنها از سوی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش خواهد رسید؛ وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه سازی لازم برای هدایت و غنی سازی زمان غیررسمی تعلیم تربیت در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه را بر عهده دارد. وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده ها، دستگاه های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و... برای طراحی و اجرای برنامه ها و فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه، به خصوص بخشی از برنامه ها که در تابستان اجرا می شود استفاده نماید.

از نمونه فعالیت های رسمی خارج از کلاس و مدرسه می توان: مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه ها، نمایشگاه ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه ها، کانون های تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه ها، دارالقرآن ها و ...)، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه ها و انجمن های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی و... را نام برد.

اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کار آمدی و تقویت هویت ملی. مبنای محاسبه زمان آموزش و امتحانات ۳۷ هفته از اول مهر ماه تا پایان خرداد ماه می باشد.

۱۴- سیاست ها و الزامات اجرایی

اجرای برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام های مؤثر در تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در چارچوب مفاهیم و راهکار های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم اتخاذ سیاست های کارآمد و اثر بخش، فراهم آوردن شرایط، امکانات، منابع و زیر ساخت های فنی و تخصصی می باشد. برخی از اهم این سیاست ها و الزامات عبارتند از:

۱-۱۴- تهیه برنامه جامع، فراگیر و بلند مدت مشتمل بر کلیه اقدامات و فعالیت های مورد نیاز بخش های مختلف درون آموزش و پرورش براساس برنامه درسی ملی و تأیید و ابلاغ آن توسط وزیر آموزش و پرورش؛

۲-۱۴- طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و تربیتی با رعایت استانداردها، حفظ مصالح ملی، افزایش مشارکت کلیه مجریان در سطوح مختلف با تأکید بر کاهش تمرکز؛ ۳-۱۴- بکارگیری روش های مؤثر در تأمین، نگهداشت و ارتقای نیروی انسانی متخصص اعم از کارشناسان، مشاوران و ناظران علمی به منظور طراحی و تدوین راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری؛ ۴-۱۴- اختصاص منابع مالی مناسب و حمایت های حقوقی و اداری برای اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه های مصوب؛ ۵-۱۴- بکارگیری روش های اثر بخش در اشاعه برنامه درسی ملی، فرهنگ سازی و نهادینه کردن آن با استفاده از ظرفیت های درون و بیرون آموزش و پرورش؛ ۶-۱۴- فراهم آوردن استلزامات اداری و ساختار سازمانی مناسب برای پایش مستمر برنامه درسی ملی و بهبود آن و انجام مطالعات و پژوهش های مورد نیاز؛ ۷-۱۴- ایجاد فرصت های متنوع و بکارگیری راهکارهای اثربخش برای ارتقای توانمندی های ذی نفعان به ویژه معلمان و مدیران جهت ارتقای سطح عملکرد مدارس در اجرای برنامه درسی ملی؛ ۸-۱۴- تجهیز مدارس به فناوری های نوین، کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه های فنی و حرفه ای.

۱۵ - ارزشیابی برنامه درسی ملی

ارزشیابی برنامه درسی ملی به منظور فراهم آوردن اطلاعات توصیفی و قضاوتی برای درک بیشتر، هدایت، تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی نسبت به میزان اثربخشی و چگونگی اجرا و تحقق اهداف و نتایج برنامه انجام می‌شود. این ارزشیابی با رعایت موارد زیر انجام می‌پذیرد:

۱۵-۱- ارزشیابی برنامه درسی ملی با نظارت شورای عالی آموزش و پرورش و توسط وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود، طرح ارزش‌یابی و نحوه کاربرست نتایج آن توسط وزارت آموزش و پرورش و با مشارکت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی پیشنهاد و به تأیید شورای عالی آموزش و پرورش خواهد رسید. ۱۵-۲- ارزشیابی از برنامه درسی ملی باید به عنوان فرایندی مستمر و پویا در نظر گرفته شود و انواعی از اطلاعات مورد نیاز را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری و در ادوار زمانی ۲ تا ۳ سال به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش نماید؛ ۱۵-۳- تصمیم‌گیری در خصوص ارزشیابی از فرایند اجرای برنامه درسی ملی برای اصلاح شیوه‌های اجرایی و انعکاس یافته‌ها به سطوح بالاتر تصمیم‌گیری به صورت تشخیصی، تکوینی و پایانی برعهده سطوح مختلف اجرایی در نظام آموزشی است؛ ۱۵-۴- ارزشیابی برنامه درسی ملی متکی بر ملاکها، شاخص‌ها و نشانگرهای روشن و منعکس‌کننده سهم و نقش هر کدام از عناصر مؤثر و میزان تحقق اهداف و سطح دستیابی به شایستگی‌های پایه می‌باشد؛ ۱۵-۵- رعایت حقوق متوازن و متعادل دانش‌آموزان و مجریان برنامه در سطوح مختلف (مدرسه، منطقه، استان و کشوری) و فراهم آوردن زمینه ارتقاء کیفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی و رشد حرف‌های مجریان در سطوح مختلف؛ ۱۵-۶- میزان ارزشمندی، جامعیت، کارآمدی، اثربخشی و مشکلات اجرایی آن را در سطوح مختلف ملی، استانی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای، به صورت منصفانه منعکس کرده و امکان بهبود برنامه درسی و تعالی عملکرد نظام آموزشی را فراهم می‌نماید؛ ۱۵-۷- امکان مشارکت تمامی افراد ذی‌نفع و ذی‌ربط در فرآیند ارزشیابی را فراهم می‌آورد؛ ۱۵-۸- بازنگری و به‌روز رسانی برنامه درسی ملی براساس نتایج ارزشیابی به عمل آمده حداکثر

در فواصل زمانی ۵ تا ۱۰ ساله به پیشنهاد سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش انجام خواهد شد.

منابع:

۱- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

۲- <https://fa.wikisource.org/wiki>